الاحکام علی قرانات الکواکب

تألیف

ابی معشر جعفر بن محمد منجم بلخی

(متوفی ۲۷۲ هجری)



به کوشش

یوسف بیک باباپور - فضل الله رضوی پور - اباذر فتح الله زاده

(انتشارات بخش علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد [illegible])

گنجینه های خطی

احیای متون نجومی - ۱

الاحکام علی قِرانات الکواکب

نگاشتهٔ

ابی معشر جعفر بن محمّد منجّم بلخی

(متوفی ۲۷۲ هجری)

به کوشش

یوسف بیک باباپور　　فضل الله رضوی پور　　اباذر فتح اله زاده

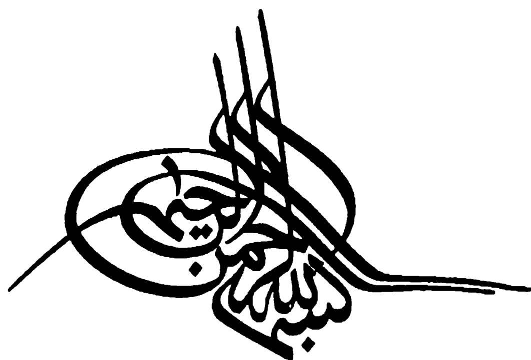
گـنجـینه های خـطّی۲

احیای متون نجومی - ۱

الاحکام علی قرانات الکواکب

نگاشته: ابی معشر جعفر بن محمّد منجّم بلخی
به کوشش: یوسف بیگ باباپور/ فضل الله رضوی پور/ اباذر فتح الله زاده
ناشر: مجمع ذخائر اسلامی- قم
حروفچینی و صفحه آرایی: حامد غلامزاده هانی
ناظر چاپ: سید محمد باقر معنوی
نوبت چاپ: اوّل- ۱۳۸۸ ش ۲۰۱۰ م
لیتوگرافی: صبا چاپ: کوثر صحافی: کوثری
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۳۰۰۰ تومان
شابک: ۳ - ۱۲۶- ۹۸۸ - ۹٦٤ - ۹۷۸

تماس با ناشر
قم - خیابان آذر - کوی ۲۳ - ۰ - فرعی اول - پلاک ۱ - ص ب ۱۹۵/ ۳۷۱۸۵
تلفن ۷۷۱۳۷٤۰ - ۰۲۵۱ - همراه ۰۹۱۲۲۵۲٤۳۳۵ - نمابر ۷۷۰۱۱۱۹ - ۰۲۵۱
info@zakhair.net * // * www.zakhair.net



فهرست مطالب

مقدمهٔ مُصحّحین[1]

ابومَعشَر بَلخی، جعفر بن محمد بن عمر(۱۹ صفر ۱۷۱– ۲۸ رمضان ۲۷۲ ق /۱۰ اوت ۷۸۷ – ۹ مارس ۸۸٦ م.) ، منجّم ایرانی ، نام او در منابع قدیم وجدید غربی به صورت اپومسر[2] ،البومسر[3] و یا بیش و کم مشابه آن آمده است. زاد روز یاد شده تنها از روی زایچه ای در کتاب *احکام تحویلی سنی الموالید* اثر ابومعشر به دست آمده است و چندان مسلم نیست . از سوی دیگر ، بر اساس روایتی از بیرونی ، برخلاف گفته ابن ندیم که ۲۷۲ قمری را سال مرگ ابومعشر می داند، وی گویا تا ۲۸۰ قمری زنده بوده است . به روایت ابن ندیم وی پیش از اشتغال به تنجیم محدث بوده است . اما این سخن احتمالاً از خلط میان ابومعشر منجّم و ابومعشر سندی، فقیه و مورّخ، ناشی شده است، چه در آثار ابومعشر منجّم، مطلقاً اثری از حدیث دیده نمی شود. ابو معشر از اوایل سده سوم هجری دربغداد به سر می برده است.

· دربارهٔ گرایش ابومعشر به دانش نجوم افسانه هایی نقل کرده اند: بر پایهٔ روایتی وی به هنگام اشتغال به حدیث ، پرداختن به فلسفه و نجوم

---

۱ . به نقل از دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی ، ذیل : ابو معشر بلخی .

۲.Apomasar

۳.Albumasar

را ناروا می شمرد و به همین علت ، با یعقوب بن اسحاق کندی دشمنی می ورزید و مردم را بر ضدّ وی بر می انگیخت، امّا کندی توانست به کمک کس یا کسانی وی را به حساب و هندسه علاقه مند سازد؛ ابو معشر گرچه در علم ریاضی توفیقی به دست نیاورد، امّا به نجوم علاقه یافت و نزد کندی به آموزش آن پرداخت ؛ افسانهٔ دیگری حاکی از آن است که ابومعشر در بلخ به فقاهت اشتغال داشت وچون شنید که کندی نسبت به یکی از فقهای بغداد بی حرمتی روا داشته، به عزم کشتن وی رهسپار بغداد شد و با تظاهر به قصد آموزش نجوم نزد او رفت ، اما کندی که از راه تنجیم نیت وی را دریافته بود، با چند کلمه او را متنبّه ساخت و برای او کمال علمی پیش بینی کرد . ابو معشر نیز شیفتهٔ کندی شد و نزد وی آموزش یافت. دربسیاری ازمنابع تاکید شده است که ابو معشر آموزشهای نجومی خود را در٤٧ سالگی آغاز کرده است . درحالی که از زایچه ای در کتاب *اسرار علم نجوم* با مذاکرات شاذان بن بحر معلوم می شود که وی سالها پیش از آن به تنجیم می پرداخته است.

ابو معشر در عصر خویش مشهور ترین منجم جهان اسلام بود و گویا در حکومت معتز، رئیس منجّمان دار الخلافه و در خلافت معتمد منجّم موّفق – برادر خلیفه و صاحب اقتدار حقیقی دستگاه خلافت – بوده است.

اشتهار وی تا قرنها بعد همچنان حفظ شد. در منابع اسلامی از او بسیار یاد شده و در آثار غربی نیز بیش از هر منجم دیگری از او نام برده شده است. صاعد اندلسی او را دانا ترین مرد به احوال ایرانیان و اخبار

دیگر اقوام می داند و از او چنان نام می برد که گـویی سـخن وی در هـر باب و از جمله در باب دانش‌های اقوام و دانشمندان آنان، رویدادهای مهم جهان، تاریخ ملتها، بنای اهرام مصر و پیشگویی طوفان عصر نوح، و حتـی درباب ارزش کار مترجمان کتابهای یونانی حجتی قاطع است.

افسانه های فراوانی نیز به عنوان پیشگویی های درست ابـو معشـر نقل شده است : پیشگویی او در دوران مستعین که گویا بر اثر آن به فرمان خلیفه تازیانه خورده است ؛ پیشگویی خلع و قتل مستعین وخلافت معتـز که در داستان مربوط به آن ، نام بحتری شاعرعرب نیز به عنوان دوسـت و معاشر ابو معشر به میان مـی آیـد، پیشـگویی زمـان قتـل صـاحب الـزنج، پیشگویی سر نوشت یک شاهزادهٔ هندی ، یا انـواع غیـب‌گـویی‌هـایی کـه عنوان آزمایش یا سرگرمی داشته است وسرانجام پیشگویی هایی که تاریخ مضمون آنها در دوران زنـدگی ابومعشـر و واقعیّـات تـاریخی همـاهنگی ندارد، مانند آن پیشگویی که دربارهٔ آیندهٔ حامد بن عبـاس ، وزیـر مقتـدر عباسی به وی نسبت داده می شود . ابو معشر شهرت خود را بیش ازهمـه مدیون این افسانه هاست . در حالی که ما ، شناخت خود را از ابو معشـر، بیش از همه وامدار روشنگری‌های ابوریحان بیرونی هستیم کـه از وی بـه عنوان مردی خود پسند یاد می کند که دعاوی خود را با دلیل‌هـای علمـی مستند نمی سازد واز تدلیس خودداری نمی ورزد و برخی احکـام او نیـز آشکارا نادرست اسـت . درکتـاب *اسـرار علـم النجـوم* ابومعشـرمنجّم، از ابومعشر نیز حکایت‌هایی نقل شده است که این ارزیابی بیرونـی را تأییـد می‌کند .

دربارهٔ حالات روحیّات، رفتار و اخلاق ابومعشر نیز نکاتی در برخی منابع و به ویژه در اسرار علم نجوم دیده می شود. او در خوردن، به ویژه در نوشیدن شراب افراط می کرد و به هنگام پُری ماه، دچار صرع می شد. خود وی معتقد بود که اگر یک سال از نوشیدن شراب پرهیز کند از صرع رهایی خواهد یافت.

شاذان بن بحر شاگرد ابومعشر در جایی با وی به مناقشه می پردازد و به درستی حکم وی اشکال می کند و در جای دیگر او را متهم می سازد حکم خود را، نه از راه تنجیم ، بلکه از روی شواهد عادی صادر کرده است و براین پایه به صراحت استادش را شیّاد می‌خواند؛ و ابومعشر بی آنکه درشتی کند در پاسخ به دلالت اوضاع و طبایع کواکب استناد می ورزد. همین شاگرد از سِرّی سخن می گوید که ابومعشر به او آموخته و وی را از فاش ساختن ونیز فراموش کردن آن بر حذر داشته است ، امّا شاذان به رغم پذیرفتن این شرط ، از بازگو کردن آن در کتاب خود داری نمی کند . یک سخن دیگر نیز هست که اگر راست باشد ، ما را از هر گونه گواهی دیگری بر شیّادی این پر آوازه ترین منجم سده های میانی بی نیاز می سازد . شاذان بن بحر پس از ذکر شرایط نجومی برخی احکام از ابومعشر، پاسخ کم نظیر و حیرت آور وی را در برابر این پرسش خود که چرا این شرایط را در کتابهای خود نیاورده است ، نقل میکند ، آن پاسخ چنین است : هر گاه دانشمند همهٔ دانش خود را در کتاب‌هایی که تألیف می‌کند ، بگنجاند و چیزی را نگفته باقی نگذارد ، خویشتن را به

صورت ظرفی تهی در میآورد ، مردم از او بی نیاز می شوند و فضل و ریاست او بر ایشان از میان می رود.

دیگر ویژگی توجه بر انگیز ابومعشر ، دلبستگی شدید او به ایران و اعتقاد او به دانش و خرد ایرانیان است که نشانه‌های آن در آثارش به چشم می خورد . وی گرچه با نوعی احتیاط ، اما به هر حال به شکلی که تعصّب وغیرت در آن آشکار است ، مدعی برتری ایرانیان در جهت اندیشه و دانش بر دیگر اقوام است ، یک‌جا می گوید : شاهان فارس به حفظ دانش‌ها در برابر رویدادهای آسمانی و آفات زمینی توجّه بسیار داشتند. آن‌گاه به شرح دقّت و همّت آنان در انتخاب کاغذ بادوام و مقاوم وگزینش مکان مناسب برای نگهداری کتابها می پردازد . این مقدّمه ای است تا گریز بزند به وجود کتابهای ارزشمندی در بنایی به‌نام سارویه واقع در کهندِ زجی اصفهان که به برکت استحکام کاغذ وسلامت محیط، از آفات قرون و اعصار مصون مانده است و از آن جمله کتابی است منسوب به یکی از حکمای متقدم که در آن از «ادوار وسالها» سخن رفته است و از «اواسط کواکب» و علل حرکات آنها را می توان از آن «ادوار» استخراج کرد و آن ادوار را «ادوار هزارات» می خوانده اند و قدمای هند و بابل از این کتاب بهره برده اند ومنجّمان آن دوران زیج مشهور شهریار را از آن استخراج کرده اند . ندیم بنای سارویه که ابومعشر از آن سخن می گوید، گویا در شکوه و چگونگی اعجاز آمیز ساخت آن ، همانند اهرام مصر بوده است واهرام مصر نیز به نوبهٔ خود به فرمان هرمس اوّل ، نوادهٔ کیومرث پادشاه ایرانی ساخته شده است. کیومرث به گفته ابومعشر، نخستین کسی

است که برای روز و شب ساعات معیّنی ساخته و آن را به هرمس آموخته و هرمس نیز نخستین کسی است که از پزشکی سخن رانده و دربارهٔ «اشیای علویّه و ارضیّه» شعر گفته و نسبت به وقوع طوفان نوح هشدار داده است.

این گونه ابراز شیفتگی نسبت به نیاکان وتلاش در راه بلند ساختن نام آواز ایشان، در میان دانشمندان ایرانی سرزمینهای خلافت اسلامی که از تسلط و قوم گرایی فرمانروایان عرب خوشدل نبودند ، بازتاب طبیعی و پدیده ای گسترده بوده است . بدین سان هرگاه ، ستایش ابو معشر از مأمون را ـ که در برخی منابع از آن سخن گفته شده ـ جدی پنداریم، باید آن را ناشی از اعتدال نسبی این خلیفه به ویژه در رفتار با ایرانیان بدانیم.

ابومعشردر آثار خویش کوشیده است تا با یاری گرفتن از سنتهای ایرانی، هندی و یونانی و با استفاده از فلسفهٔ سریانی که به تأثیر ستارگان و سِحر، رنگ نو افلاطونی می داد و در نوشته های کندی و کتابهای حرّانیان و نیز در آثار دانشمندان ایرانی پیش از وی مانند ماشاءالله، ابوسهل فضل بن نوبخت، عمر بن فرّخان طبری و ابو یوسف یعقوب قصرانی منعکس است، درستی احکام نجوم و کاربرد آن را در سحر و افسون به اثبات رساند.

برهان فلسفی ابومعشر ارسطویی و همراه با عناصر نو افلاطونی بوده و در این باره ا ز نوشته‌های منسوب به هرمس و آگانودمون[1]، پیشوایان حرّانی سود برده است. وی برای جهان هستی سه سطح

---

۱. Agathodemon.

می شناسد: الهی (فلک نور)، اثیری (هشت فلک آسمانی) و هیولانی (جزء زیر قمر). ابو معشربه پیروی از حرانیان کوشید، وجود را بـه میـان افـلاک آسمانی و جهان متغیّر زیر فلک قمر را به اثبات رساند و برای پیوند میـان افلاک آسمانی و جزء زیر فلک قمر، از لحاظ احکام نجـومی پایـه علمـی بسازد . به گفته ابو معشر، اجسام زمینی می توانند به وسیله اجرام فلکی به حرکت درآینـد و دچـار دگرگـونی و اسـتحاله و کـون و فـساد شـوند و همچنین اجرام فلکی نیز نیروی آن را دارند که بر اجسام خاص زمینی نیـز اثر بگذارند. وی بر پایۀ این دیدگاه معتقد بود که همۀ معارف منـشأ الهـی دارند و نشانه های وحی خداوندی در هر علم به چشم می خـورد ؛ روح انسانی که از فلک نور الهی به زیر فلک قمر فرود آمده ، می تواند با یاری و وساطت افلاک آسمانی واز راه نماز ، عبادت و اوراد و اذکـار ، از یـک فلک به فلک بالاتر صعود کرده و سرانجام به خـدا متّـصل شـود و بـدون توسّل به این واسطه ها وصول میسّر نیست و این همه از تحقیق و مطالعه در علم نجوم واحکام آن میسر می گردد. او عقیـده داشـت کـه درسـتی واعتبار احکام نجوم تنها از راه مکتب ارسطویی حرّانیان معلوم نمی شـود، بلکه همچنین می توان با تکیه بـر دقـایق تـاریخ انتقـال علـوم در جهـان، اجزای حقیقت را درباره طبیعت که درمیان اقوام مختلف پراکنده است، به یک مبدأ الهی وصل کرد و براین پایه احکام نجوم وسحر را سودمند ترین دانش ها برای انسان می دانست. او همچنین بر این عقیده بود که هر یـک از ستارگان در صفات اشیا و سرنوشت و مقدّرات اشخاص اثر داشته و در تغییرات طبیعی و حتی بعضی تغییرات نفسانی مؤثرند و بشر به وسیلۀ علم

احکام نجوم می‌تواند تغییرات ناشی ازستارگان را پیشگویی کند. ابومعشر در زیج الهزارات ، برای سنّتهای فرهنگی نوع بشر، به سبب آنکه برخاسته از وحی است ، منشأ واحدی قائل شده است .

ابومعشر با تألیف کتاب *الالوف* و کتاب *فی بیوت العبادات* باعث شهرت بیشتر حرّانیان شده است . وی گاه به گاه اشاره ای به طلسمات می کند؛ ولی به پیشگویی ، بیش از دخل وتصرّف درآینده، دلبستگی نشان می دهد .

گروهی برآنند که علاقه و توجّه دانشمندان نسبت به احکام نجوم در نیمهٔ دوم سدهٔ دوم هجری، در بغداد ، انتقال رساله‌های احکام نجومی ساسانی به جهان اسلام ، ورود یک هیأت هندی درسال ۱۵۵ هجری به بغداد برای تعلیم علوم هندی و کمک در ترجمهٔ نوشته های هندی به عربی و نهضت دامنه داری که در زمان مأمون در ترجمه آثار خارجی به عربی پیدا شده بود، سبب گردید تا کتاب‌های اساسی نجوم یونانی، از جمله *المجسطی* وکتاب *الاربعة*[1] بطلمیوس وکتاب‌های دیگر از سریانی و یونانی ترجمه و در دسترس علاقه‌مندان این علم قرار گیرد. ابو معشر نیزچنانکه ذکر شد، ازاین ترجمه ها و آثارآگاهی پیدا کرد و توانست از مطالب آنها در مباحث و موارد مختلف تألیفات خود بهره گیرد.

از شاگردان پیروان ابو معشر می‌توان ابن مازیار (ابن بازیار)، محمّد بن عبدالله بن سمعان، عبدالله بن مسرور نصرانی و ابوسعید شازان بن بحر

---

۱. Tetrabiblos

را نام برد. شازان سخنان ابو معشر را زیر عنوان *اسرارعلم النجوم* یا *مذاکرات شاذان بن بحر* گرد آورده است.

آثار ابومعشر:

آثار ابومعشر از لحاظ در بر داشتن بخشهایی از نوشته های کهنی که اصل آن از بین رفته ، قابل توجه است:

الف- چاپی:

۱- *الابراج و الطوالع و فوائد شتی فی علم الحساب* : در ۱۹۸۷ م . در بیروت به چاپ رسیده است.

۲-بغیه *الطالب فی معرفه الضمیر المطلوب و المغلوب و الغالب* : این کتاب دربارهٔ علم رمل است که بارها در مصر به چا پ رسیده است .

۳- *القرانات* : این کتاب شامل هشت مقاله است . ابن ندیم گفته است که این کتاب از آن سند بن علی است و ابومعشر آن را به خود نسبت داده است. یوحنا اشبیلی آن را به لاتین ترجمه کرده است . این ترجمه در ۱٤۸۹ م. به وسیله ارهارد راتدلت[۱] در آوگسبورگ ودر ۱۵۱۵ م. به کوشش یاکوبوس[۲] پنتیوس لئوکنسیس چاپ شده است . یک فصل از این ترجمهٔ لاتینی که گویا ابومعشر آن را ازکندی گرفته و به خود نسبت داده بود در مقاله ای از ا. لوث[۳] با عنوان «کندی *اختر بین*»[٤] در کتاب «*پژوهشهای*

---

۱. ErhardRatdolt.

۲. Jascobus Pentius Leuccnis.

۳. O.Loth.

۴. « AL – Kindials astrolog ».

شرقی»[1] در ١٨٧٥ م . در لاپیزیک تجدید چاپ شد . از ترجمهٔ فارسی این کتاب چند نسخه خطی در دار الکتاب قـاهره ، کتابخانـهٔ ملـک وکتابخانـهٔ ملی رشت موجود است[2] .

٤- *المدخل الکبیر فی (الی) علم احکام النجوم*: در هشت قول، این کتـاب مهمترین اثر به جای ماندهٔ ابو معشر است و در حدود سـال هجـری ٢٣٥ نوشته شده است . وی درفصل دوّم قول اوّل کوشیده است اعتبـار احکـام نجوم را به اثبات رساند . همچنین گفته اند که این کتاب را سند بـن علـی نوشته و به ابومعشر اهدا کرده بود و او آن را به خـود نـسبت داده اسـت. تنها بخشی از این اثر منتشر وگزیده هایی از آن نیـز در حـدود سـال ٣٧٩ هجری به یونانی ترجمه شده است . در میان ترجمه های متعددی کـه بـه زبان لاتینی به عمل آمده ، ترجمهٔ یوحنـا اشـبیلی مـشهورتراست . چـاپ تصویری این کتـاب در١٤٠٥ هجـری (١٩٨٥ م .) در فرانکفـورت منتـشر شده است . این اثر به زبان‌های انگلیسی و آلمانی ترجمه شده است .

«واده» رساله ای با عنوان «*دفاعی از احکام نجوم در کتاب المدخل ابو معشر*» نوشته که در شمارهٔ پنج «*سالنامهٔ اسلام شناسی*»،درسال ١٩٦٣ م. منتشر شده است.

٥. *کتاب الموالید الصغیر*: که چند باردرقاهره به چاپ رسیده است این اثـر مشتمل بر دو مقاله وسیزده فصل اسـت . چهـار فـصل اول آن از سـحر و

---

١. Morgenländische for schungen

٢. رسالهٔ مورد بحث ماست : رک : منزوی ، ج۱، ص۲۱۱-۲۱۲؛ نیز فهرست ملک،ج٦، ص۳۹۰- ۳۹۱ .

احکام نجوم در ادوار مختلف ، پنج فصل بعدی مطالب عجیبی دربارهٔ سحر و پیشگویی و چهار فصل آخر آن دربارهٔ موالید است.

ب – خطّی :

۱. *اصل الاصول*: دربارهٔ موالید ، ابوالعنبس صمیری آن را از تألیفات خود می دانسته است. در برخی از نسخه های خطّی این کتاب نیز نام مؤلف صمیری آمده است. این کتاب با عنوان *الاصل فی علم النّجوم وسرائرالاسرار* نیز نامیده شده است. نسخه هایی از آن در کتابخانهٔ ملّی و آستان قدس موجود است .

۲. *کتاب الالوف*: این کتاب یکی از مهمترین آثار ابومعشر است که اصل آن از بین رفته، ولی احمد بن محمّد بن عبد الجلیل سجزی بخشهایی از آن را با عنوان *منتخبات کتاب الالوف* در جامع شاهی وبخشی دیگر را با عنوان فصل من کتاب *الالوف فی اجتماع الکواکب السبعهٔ و مبادی التواریخ* به صورت مستقل آورده است . بخشی از این کتاب که در آن مطالبی دربارهٔ «نسیء» آمده ، در *منتهی الادراک فی تقاسیم الافلاک* ، اثر عبدالجبار بن محمّد خرقی نقل شده است . این بخش توسط محمود افندی در «مجلهٔ آسیایی[۱]» (۱۸۵۸م)به چاپ رسیده است. لیپرت نیز قسمتهایی از آن را که در کتابهای دیگر نقل شده ،در«نشریهٔ دانش خاورشناسی وین[۲]» گرد آورده است. کندی با استفاده از متن *جامع شاهی* بخش کوچکی از آن را به انگلیسی ترجمه کرده است.

---

۱. JA- XI/168 – 172.

۲. Wiener ZeitschriftfurdieKundedes Morgenlandes.

٣. *الامطار و الریاح و تغیّر الاهویه*: که ابومعشر آن را بنا بر روش حکمای هند تألیف کرده است .متن اصلی اکنون در دست نیست ، بلکه فقط ترجمهٔ لاتینی آن که در ١٥٠٧ م . در ونیز همراه با *رساله فی علل القوی المنسوبه الی الاشخاص العالیه الدالّه علی المطر*، تألیف یعقوب بن اسحاق کندی به چاپ رسیده، موجود است.

٤ . *احکام تحویل سنی الموالید*: نسخه هایی از آن در پاریس وکتابخانهٔ اسکوریال موجود است. سجزی گزیده ای از آن را در ٢٣ باب به نام منتخب *کتاب الموالید* به زبان عربی فراهم آورده که نسخه هایی از آن در کتابخانهٔ ملی تهران وکتابخانهٔ آستان قدس موجود است . وی سپس کتاب اخیر را با اضافاتی مشتمل بر جدول های تقویم وغیره به زبان فارسی ، با عنوان *برهان الکفایه* ترجمه کرده که در کتابخانهٔ آستان قدس نگهداری می شود. این اثر ابومعشر را یوحنا اشبیلی به لاتین ترجمه کرده که در١٤٨٩ م. در آوگسبورگ و در ١٥١٥ م . در ونیز به چاپ رسیده است . متن اصلی عربی نیز به یونانی ترجمه شده که پنج کتاب اوّل آن در لایپزیگ به طبع رسیده است. این ترجمهٔ یونانی نیز به لاتین ترجمه شده و به وسیلهٔ وُلف در ١٥٥٩ م. دربازل انتشاریافت. بخشی از آن نیز به وسیلهٔ ف. بُل تصحیح و به آلمانی ترجمه شد. این ترجمه در ١٩١٢ م. منتشر گردید .

٥ .*کتاب الکدخدا وکتاب الهیلاج*: بعضی این کتاب را با دو عنوان جداگانه ذکر کرده اند . ولی قفطی آن را زیر یک عنوان آورده است. اصطلاحات فارسی در این کتاب نشان از آن دارد که مطالب مربوط به آن باز مانده از

دورهٔ ساسانی است. یک نسخهٔ خطی ازاین اثر درکتابخانهٔ نور عثمانیه نگهداری می شود .

٦. *النکت یا تحاویل سنی العالم*: کتابی است در هفت مقاله که در سدهٔ پنجم هجری (۱۱ م.) به وسیله ابراهیم منجم از عربی به فارسی ترجمه شده و درآن از کواکب ، اقترانات ، طوالع اسهام وجزآنها بحث شده، نسخه خطی آن در کتابخانهٔ ملی موجود است. این کتاب به وسیله یوحنا اشبیلی با عنوان فلورس[1] به لاتین ترجمه شده وتوسط ارهارد راتدلت در ١٤٨٩ و١٤٩٥ م . در آوگسبورگ وبه وسیله سِسا[2] در ١٤٨٨ و ١٥٠٦م. در و نیز انتشار یافته است.

۷. *اسرارعلم النجوم یا مذاکرات شاذان بن بحر*: نسخه‌های خطی آن در کتابخانه های کمبریج و اسماعیل صائب ، نگهداری می‌شود .

ابومعشرآثار دیگری نیز دارد که نسخه های خطّی آنها در دست است.[3]

---

۱. Flores

۲. Sesa

۳. به نقل از دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی ، ذیل «ابو معشر بلخی» : به منابع زیر اشاره شده است: آستان قدس ،فهرست؛ آستان قدس، فهرست؛ ابن ابی اصیبعه، احمد، عیون الانباء، به کوشش آوگوست مولر، قاهره ،۱۸۸۲ م؛ ابن الیر، الکامل ابن جلجل ،سلیمان ،طبقات الاطباء والحکماء ، به کوشش فؤاد سزگین ،قاهره ،۱۹۵۵ م؛ ابن طاووس، علی فرج المهموم، قم، ۱۳٦۳ ش؛ ابن ندیم، الفهرست؛ ابو معشر بلخی، جعفر، اسرار علم نجوم ، نسخه خطی کتابخانهٔ اسماعیل صائب ، شم (۱) ۲۹۹ ؛ همو ،المدخل الکبیر، چ تصویری، به کوشش فؤاد سزگین ، فرانکفورت،۱۹۸۵ م ؛ بغدادی، هدیه ؛ بیرونی ،ابوریحان، الآثارالباقیه، به کوشش ادوارد زاخاو ، لایپزیک ،۱۹۲۳ م ؛ تنوخی ، محسن ، نشوار المحاضره و اخبارالمذاکره ، به کوشش عبود شالجی ، بیروت ،۱۹۷۱ م ؛ تهرانی ،جلال الدین ، گاهنامه ، تهران ،۱۳۱۳، ش، حاجی خلیفه، کشف الظنون؛ ذهبی، محمد ، سیر اعلام النبلاء ، به کوشش شعیب ارنؤوط ، بیروت ،۱۹۸٦م ، سزگین ، مقدمه بر المدخل : سید،خطی شاذان بن بحر ، گفت و گو با ابومعشر بلخی ، ضمن اسرار علم النجوم؛ شهرزوری، محمدنزهة الارواح

نسخهٔ مورد استفاده و روش کار:

از کتاب *الاحکام علی قِرانات الکواکب*، نسخی در کتابخانه های مختلف وجود دارد و اساس کار ما نسخه‌ای است که در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی به شمارهٔ ٥٤١٨ نگهداری می‌شود. این نسخه که وقف میرزا رضاخان نائینی است و فاقد تاریخ کتابت و استنساخ می‌باشد. تعداد اوراق نسخه ١٦ برگ به ابعاد ١٤×٢٤ سانتی متر، هر صفحه ٢٠ سطر به خط نستعلیق می‌باشد.

از این کتاب ترجمه‌هایی با همین عنوان به فارسی در کتابخانه های بادلیان (٦٨٣/٤)، رشت (ملی٢/٦٥ ر) ، قاهره (٤٤٦٧س)، نجف(ذریعه ٣٠١/١) و قاهره (مخطوطات ٤٠/٢) وجود دارد که استاد منزوی (ج ۱، ص۲۱۱- ۲۱۲) بدانها اشاره کرده‌اند. ما در احیای این اثر ارزشمند، که

و روضةالأفراح ، به کوشش خورشید احمد ، حیدر آباد دکن، ١٣٩٦ق/١٩٧٦ م؛ صاعد اندلسی، طبقات الامم، به کوشش لویس شیخو، بیروت ،١٩١٢ م ؛ قفطی ، علی تاریخ الحکماء، اختصار زوزنی ، به کوشش یولیوس لیپورت. لایپزیک،١٩٠٣ م؛ مسعودی، علی ، مروج الذهب، به کوشش باربیه دومنار وپاوه دوکرتی ، پاریس،١٨٧٤ م ؛ ملک ، خطی : ملی خطی؛ منزوی خطی؛ نصر حسین ، علم وتمدن در اسلام ، ترجمه احمد آرام ، تهران ١٣٥٩ ش؛ نالینو، کارلو آلفونسو، تاریخ نجوم اسلامی، ترجمهٔ احمد آرام ، تهران ١٣٤٩ ش، نظامی عروضی ، احمد ، چهار مقاله ، به کوشش محمد قزوینی، لیدن، ١٣٢٧ق/ ١٩٠٩ م ؛ یاقوت ، بلدان ؛ نیز :

De Slane;EI[2];ESC[2];Faddegon, J.m.,"Notice sur un petit traite d'astrologieattributéà Albumasar",JM,1928,vol.CCXIII;GAL;GAL .S;GAS;Iranica;Mieli,A.,La Science arab,Leiden,1966;Pingree,d., "Abmashar",DictionaryofScientificBiography,NewYork,1970,vol.I;Sarton,G.,Introductiontothehistorofscience ,Baltimore,1927;Ullm,m.,Die Natur–und Geheimwissen Schaften im Islam,Leiden,1972;Vadet,JC.,"Une defence delastrologie dans LeMadhaid'AbumasaralBALHI , Annalesislamologiques,Cairo,vol.

یکی از متون کهن در زمینهٔ احکام نجوم به عربی است، به نسخهٔ کتابخانـهٔ آستان قدس به علّت زیبایی خط و خوانـایی و کامـل بـودن نـسخه اکتفـا نمودیم و صرفاً به هدف احیای متن و ارائهٔ آن جهت سهولت دسـت‌یـابی محققان به آثار گذشتگان از جمله این کتاب، اقدام بـه چـاپ آن نمـودیم. امید است که مورد پـسند محققـان و خوانـندگان بزرگـوار قـرار گیـرد و کاستی‌های آن را به دیدهٔ اغماض ملاحظه فرمایند.

والسلام علیکم

بهار ۱۳۸۸

تصویر صفحهٔ اول نسخهٔ خطی قرانات الکواکب

تصویر صفحهٔ آخر نسخهٔ خطّی قرانات الکواکب

الاحکام علی قِرانات الکواکب

ابی معشر جعفر بن محمّد منجّم بلخی

بسم الله الرحمن الرحيم

كِتابُ الاحكام على قرانات الكواكب فی البروج الاثنی عشر:

فصل

فی برج الحمل

قران زحل و مشتری فیه : یدلّ علی قتل ملک وسوء حال سیر الملوک مع کثرة القحط والامطار والزروع و اراجیف والکذب وتحیرالملوک علی الرعیة وکثرة الحروب وموت ملک العرب وخلف منهم .

قران الزّحل والمرّیخ فیه: یدلّ علی کثرة الأمراض فی الصبیان وتکدّر الجوّ وغبار وموت فی الخیال وهلاک ملک بالشام والعراق وفتش نقع بالروم؛ فإن نَظَرَ مشتری والقمر دلّ علی القحط وعدل الملوک .

قران الزحل والشمس فيه: يدلّ على الحديد ملك مع حدوث وحروب بين الناس وموت وطاعون و مطر ما يقع بعراق فقد ملک كبير.

قران الزحل و الزهرة فيه: يدلّ على كثرة الموت والامراض فى ساير البُلدان وخلف بين الروم والاسلام وموت رفيق عظيم ببابل قلة المطر؛ والله أعلم.

قران الزحل و عطارد فيه: يدلّ على دخول الروم والارمنية و وقوع الطاعون فى اهل الأهواز و هبوب رياح شمالية وكثرة الموت بالعالم .

قران الزحل و القمر فيه: يدلّ على الخلاف يقع وحروب ببلاد الروم الى ارمنية وكثرةالاوجاع فى الأكابر.

قران الزحل و المشترى و المريخ فيه:يدلّ على دخول الروم و ارمنية و حروب و مطر إن كان؛ اوانه والله أعلم.

قران المشترى و الشمس فيه: يدلّ على نقص الأمطار و موت الأكابر و تغيير الأسعار و القواعد و اراجيف بالعراق.

قران المشترى والشمس فيه: يدلّ على صلاح احوال الأكابر والقضاة و النساء و مطر إن كان اوانه و فقد رجل مذكور ببابل والشّام و فلسطين هيج الأعداء و زيادة الأنهار وصلاح حال اهل الشمال.

قران المشترى و عطارد فيه: يدلّ على صلاح ارباب المناصب و الأقلام و مطر و هواء إن كان اوانه و وقوع الموت فى الأحياء و كثرة الجدل بين اهل العالم .

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی خصب السنة و مطر و هواء و حسن حال العامة.

قران المریخ و الشمس فیه: یدلّ علی کثرة النقص و اراجیف بنواحی ارمل و الجهال والموت والطاعون وقرض فی سائر البلدان وکثرة العقوبات وسقوط الحوامل وحسن حال الامراء وسوء حال النساء والمطر.

قران المریخ وعطارد فیه: یدلّ علی حروب تقع بارض الشام و المغرب و قلة ماء العیون و قتال یعرض بین الروم و الترک و هلاک ملک الروم و تقصد ناحیة المغرب اعداء یفسدون اکثرها مع حدوث امراض و سعال و مرض البواسیر و مطر إن کان اوانه.

قران المریخ و القمر فیه: یدلّ علی قصد ملک ببابل مضره ینال اهلها و نفاق الدواب و حروب و مطرإن کان اوانه؛ والله أعلم .

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی یبس الهواء و کثرة الرعود و البروق و مطر و موت تقع فی النساء و خسارة المطربین و سوء حال الخدم.

قران الشمس و العطارد فیه: یدلّ علی کثرة الأمطار و هبوب الریاح و برد و کثرة الخیر ینال و زیادة المیاه.

قران الشمس و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الرعود و الصواعق و البروق کان اوانه و صلح من ملکین .

قران الزهرة و العطارد فیه: یدلّ علی عزّ و نفع و حروب و افراح الکتاب و النساء و زکاة الزرع و کثرة الخیرات و غیوم و مطر و هواء .

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على كثرة الأمطار و الرياح و البرد في فصل الشتاء و في غيره على اهوته و صلاح احوال العالم .

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على كثرة الأمطار و هبوب رياح على قدم ما يقتضيه الزمان.

[فصل
في برج الثور]

قران زحل و المشترى فيه: يدلّ على حروب و قتال و قحط و رياح شديدة و زكاة الزرع و خزان الارض في أرض فارس و بابل و فقد رجل مذكور ومضره تنال العالم و كثرة الامطار و سيول إن كان اوانه.

قران زحل و المريخ فيه: يدلّ على قحط وجوع و موت كثير ورياح باردة و موت ملك وخسارة ينال الأخبار و حريق و مضره تنال العالم و مرض و اوجاع و فتن و زلازل .

قران زحل و الشمس فيه: يدلّ على غلاء و جوع في الناس و زيادة حمل الشجر و رطوبة الجو و فقد ملك عظيم الشأن وخسارة المشايخ.

قران زحل و زهرة فيه: يدلّ على موت ملك بالروم و وقوع الموت في النساء و شدائد و قحط و فتن و مطر.

قران زحل وعطارد فيه: يدلّ على حروب بين الامم و كثرة الأمطار و هلاك الكتّاب و الوزراء و رياح شديدة يابسة عاصفة.

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الحروب بین الناس و مطر و غلاء؛ و الله أعلم .

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی خراب فی أکثر البلاد و موت الأکابر و خلف بین الروم و علی الاسلام حرکات العساکر و حسن حال الامراء و الأحیاء؛ و الله أعلم.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی یبس الهواء و کثرة السموم و موت بعض القضاة و الأکابر.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی هلاک و مضرّة الزرع ببلاد الروم و تسلط النساء علی الرجال وافراح المطربین الخواتین و صلاح حال اهل اربل و هواء طیّب و مطر إن کان اوانه.

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی مطر و ریاح و حرب ببابل و قحط بفارس .

قران المریخ و الشمس فیه: یدلّ علی شدة الحرّ و یبوسة الجوّ و فقد ملک و موت یقع فی النساء و حریق بعض الأماکن و الجبال ؛ و الله أعلم .

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی فقد رجل مذکور وخراب بعض القری و موت النساء و افراح الجند و کثرة الفساد و الزناء .

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی خلف فی اکثر النواحی و اراجیف و موت و کثرة المطر و غیوم و البرد وخسارة تنال الوزراء و الکتّاب أو موت ملک .

قران المريخ و القمر فيه: يدلّ على تعب قلوب العالم و فقد رجل عظيم و شيب العالم من اوطانهم و قتال و فتن ونفاق الدواب و غيوم و مطر؛ والله أعلم.

قران الشمس و الزهرة فيه: يدلّ على موت بعض نساء الملوك و شدّة تنال الرجال و فساد حال النساء و حركة العساكر و الجيوش و خراب أكثر البلاد و مطر و رياح باردة؛ والله أعلم.

قران الشمس و العطارد فيه: يدلّ على فتن وحركات اهل الجبال و فساد حال الوزراء و اهويه مختلفة و مطر .

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ علي رطوبة الجوّ و كثرة الأنداء و الأمطار و صلاح حال العامة .

قران الزهرة وعطارد فيه: يدلّ على فتنة تعرض لأهل فارس وموت ملكها و كثرة اللصوص و الصعاليك و موت النساء و البقر و كثرة الرعود و البروق و الأمطار و أفراح أرباب الأقلام و الوزراء و النساء وطيبة الهواء و صلاح اهل اربل؛ و الله أعلم.

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على صلاح اهل العالم و رطوبة الهواء و غيوم و امطار .

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على نقصان الشيب و توسط الامطار و كثرة الأراجيف.

فصل

برج الجوزاء

قران زحل و المشتری فیه: یدلّ علی فقد ملک و کثرة اللصوص وقطاع الطرق و قوة الحرب و اخذهم الأموال و نهب القوافل و قلة الأمطار و المیاه و کثرة دواب الماء و افراح المشایخ و الفلاحین و موت یقع فی الفقهاء و الکتّاب و شدّة الریاح و الزوابع.

قران زحل و المریخ فیه: تدلّ علی هیج الأعداء و حدوث الخلف و الحروب فی اکثر الأرض و وقوع الجراد وهبوب ریاح و قلة الأنداء و وقوع الفتن و الحرب و خصب الطعام و کثرة الأمراض الدمویة و السوادیّة.

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی قتل رجل عظیم و شدّة الحرّ و هبوب السمایم و خلف بین المشایخ و فساد العرب و خلف و جراد و کثرة الأمراض و الجُدری.

قران زحل والزهرة فیه: یدلّ علی کثرة الموت فی النساء و الحر و مطر و ریاح و حسن حال المشایخ و الفلاحین و النساء.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی قتال بالشمال و حروب و کثرة الأسر و الشرّ و ضایعة تنال الکتاب و المتصرفین.

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الأراجیف و النشر و مطر و هواء.

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی هلاک اهل الیمامة و خراب اکثر القری و شدة تنال الرؤساء و ارباب الامل مع قلة الأمطار و موت بعض الأشراف و العظماء و افراح الجند.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی رطوبة الجوّ و شدّة تنال العالم ضایقة و موت رجل معروف و تغییر الاسعار.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی صلاح حال الأکابر و النساء و افراح الملوک بفارس.

قران المشتری و عطارد فیه: یدلّ علی افراح العالم و طیبة قلوب الکتاب و حرب بالروم و حوادث و کثیرة فی بلاد الشّمال .

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الأمطار و امساء عامه و مدود و افراح القضاة .

قران المریخ و الشمس فیه: یدلّ علی حرارة الهواء و یبسه وحرب و سیء و موت کثیرة و سفک دم و خلف؛ و الله أعلم.

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی کثرة الأمطار و الفساد و الزّنا و الحرب و موت تقع النساء و خسارة المطربین .

قران المریخ وعطارد فیه: یدلّ علی فقد و نقص اولاد الملوک و تجدید ملک ثم یعزل وخروج خوارج خراسان .

قران المریخ و القمر فیه: یدلّ علی فقد رجل مذکور و کثرة القتال و نقص مع یبوسة الهواء و قلة الأعداء.

قران الشمس و الزهرة فيه: يدلّ على توسط الأنداء و موت تقع في النساء و افراح الملوک؛ والله أعلم .

قران الشمس وعطارد فيه: يدلّ على هبوب السماء و الرياح وفتنة بأرض مصر و قتال.

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على قلة الأمطار و الرّطوبات و إنّما تكثر الهموم و الأهوية.

قران الزهرة و عطارد فيه: يدلّ على سلامة الطرق في أقطار الأرض و كثرة النقص من رجال والنساء و رعد برق و مطر و مدود الأنهار .

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على توسط الأمطار وهبوب الرياح الحارّة.

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على هواء مختلف إن كان اوان المطر.

فصل

في برج السرطان

قران زحل و المشتری فيه: يدلّ على كثرة القتال و الحروب بين الملوک و موت كثير منهم و حروب باكثر الأقاليم و كثرة التوالد مع قلة الأمطار و حسن ربيع السنة و كثرة اللصوص.

قران زحل و المریخ فیه: یدلّ علی وقوع حروب من اهل ارمنیة و العرب و قحط فی جمیع الآفاق و هیج الترک و وقوع العداوة بین الناس و کثرة الجراد و امطار و خسارة الامراء و الاجناد .

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی موت بعض ابناءالملوک و وقوع الموت فی اکثر الأقالیم مع یبوسة الهواء.

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علی موت ببلاد الأفرنج و قحط مع کثرة الأمراض فی الناس و کثرةالأمطار و سوء حال المُطربین و النساء و الخدم.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی موت بعض نساء الملوک و وقوع موت فی اکثر الأقالیم و شدّة الأمراض و هواء و مطر و سوء حال الکتّاب و الوزراء .

قران زحل و قمر فیه: یدلّ علی موت بعض نساء و موت تقع فی الاقالیم الشمالیة و شدّة تنال العالم.

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی موت اعداء الملوک و کثرة اللصوص و النساء و زیادة الدجلة و الفرات و ظهورالأفرنج و یکون بینهم و بین المسلمین حرب و تلف خلق کثیر من العوام و تشتتهم.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی کثرة الموت و اعاجیب فی الجبال و صلاح حال اهل الهراة و الدجلة و موت تقع فی الاغنیاء و القضاة و خلف.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی مقاومة العبید للملوک و موت رجل عظیم بفارس وطوفان وعجایب الجبال.

قران المشتری و عطارد فیه: یدلّ علی خراب اکثر الأقالیم و فساد مجالس الحکام و مطر و افراح الوزراء و الکتّاب؛ و الله أعلم .

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الأنداء و قتال بین الامم.

قران المریخ و الشمس فیه: یدلّ علی شدّة وخوف تنال الناس و حرّ عظیم و یبس الهواء و حروب تقع بین الامم و موت بعض الامراء و حریق سلقة الشمال و موت کثیر و مرض و جراد و جُدری.

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی اختلاف الهواء و یبسة و یکون سنة شدیدة علی النساء و المطربین و موت تقع فیها و اقبال الامراء و الأجناد .

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی کثرة الموت بالشرق و قتال بین ابناء الملوک و خلال املاک کثیرة فی سایر البلدان و خلف و حروب بین العرب و قساوة الملوک و شدّة الحرّ و قلة المیاه و فساد النهار و موت الوزراء و الکتّاب و ضرر کثیر منهم و هلاک المتصرفین.

قران المریخ و القمر فیه: یدلّ علی حروب و موت ملک صغیر و انفاق اموال الملوک فی الحروب و الفتن و سیء بعضهم بعضاً و کثرة الموت و الفرق.

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی قلة المیاه و غم ینال المطربین و الخواتین و موت بعض الخدم و الکبار و الخواتین.

قران الشمس و عطارد فیه: یدلّ علی کثرة الموت و شدّة الحرّ فی اوانه و ان کان شتا فاحکم بمطر و إن کان صیفاً فاحکم بنقص المیاه و فساد الأنهار و ضایعة تنال الکتّاب و المتصرفین؛ و الله أعلم .

قران الشمس و القمر فیه: یدلّ علی توسط الریاح و شدّة الحرّ فی اوانه و امطار فی اوانه .

قران الزهرة و عطارد فیه: یدلّ علی زلازل وموت فی بلاد المشرق و الروم و موت تقع فی النساء و ربما وقع مطر و رعد و برق إن کان أوانه .

قران الزهرة و القمر فیه: یدلّ علی مطر و انداء .

قران عطارد و القمر فیه: یدلّ علی هبوب السمائم و ریاح مختلفة و ربّما وقع مطر .

فصل

فی برج الأسد

قران زحل و المشتری فیه: یدلّ علی خلف بنواحی المشرق و ظهورالخوارج و تحیّر ملک عظیم بفارس و هلاک بعض الأکابر منه العظماء و ظهورالعداوة بین الامم و صلاح الزروع و حسن حال المشایخ والفلّاحین و الموت فی القضاة و الأشراف و الأکابر.

قران زحل و المریخ فیه: یدلّ علی وقوع البغض بین الترک و العرب و شدة و خوف و فزع العالم بعضهم بعضاً و ظهور آیات سماویة و زلازل و قحط و غلاء و غبار و ریاح و سمائم .

قران زحل والشمس فیه: یدلّ علی موت ملک المشرق و وقوع الشداید فی العراق و الشمال ومطر و شدّة وقحط و غره الحبوب و الأوهان و الجراد.

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علی موت ملک أو بعض الأشراف و شدّة المشرق و موت النساء و المطربین و افراح المشایخ و الفلاحین .

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی خلاف الکتّاب و موتهم و فقد بعض اولاد الملوک و کثرة الوبا و الشدائد و شدّة الحرّ و هواء و عجاج مظلم.

قران زحل و القمر فیه : یدلّ علی موت ملک ببابل و قحط و جراد و اسقاط الحوامل و ربما وقع مطر .

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی موت ملک ببابل و خراب قری ببابل و ثوران الأعداء علی اهلها و نقص المیاه و العیون و شدّة الحر و موت رجل کبیر و حسن حال الامراء و الاجناد .

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی کثرة الجراد و زکاة الزروع و یبس الهواء و تکدّر الجوّ و غیوم و موت رجل جلیل القدر وافراح الملوک و تغیّر الأسعار و نقص المیاه .

قران المشتری والزهرة فیه:یدلّ علی آفة تنال اهل السواد و شدّة جراد یظهر مع زکاة العلة و افراح النساء و الأکابر و القضاة و اهل اربل.

قران المشتری و عطارد فیه: یدلّ علی اقبال الکتّاب و ظهور الغیوم و الحجّاج و قتل ملک بالجبال و آذربایجان و ملکهم و رسل و حروب بینهم.

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی طیبة الهواء و نجوم و ربّما وقع مطر.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی حروب و قتل و جوع و رعد و برق و مطر إن کان أوانه و اضطراب العساکر و خلف رسل بین الملوک و حریق و سیء وقطع الطرق و جور علی الرعیّة.

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی العداوة بین الامم و مطر و رعد و کثرة اللصوص و الفساد و الزّنا و موت تقع فی النساء و الأشراف و افراح الجند و الامراء .

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی اراقةالدماء و خلف و حروب بفارس و هلاک اعداءالملوک و موت العلماء و حرب بین اهل المشرق و حرکات الترک و کثرة الحریق و رفض الأوثان و تعب قلوب ارباب الاقلام و ریاح و عجاج و زلازل و قلة المطر و حرّ شدید مهلک.

قران المریخ و القمر فیه: یدلّ علی موت ملک بالمغرب و تشتت اشرافها و کثرة القتال و الفتن و السیء و الموت و خاویة السباع و نطاق الدواب و یبس الهواء و اختلافه.

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی صلاح الأهویة فی‌السمائم و قلة المطر و موت النساء و هلاکهم .

قران الشمس و عطارد فیه: یدلّ علی موت المواشی و خسارة الکتّاب و الأغنام و کثرة الجراد و حرارة الهواء علی قلة الأنداء و المطر؛ و الله أعلم .

قران الشمس و القمر فیه: یدلّ علی کتمة الأسرار و کثرة المفسدین و جور الملک علی الرعیة الأمان مِن العبید؛ و الله أعلم .

قران الزهرة وعطارد فیه: یدلّ علی سیء اهل القری و قرع و موت یعرض فی أکثر الأقالیم و حرب و لصوص و دم و حرّ شدید .

قران الزهرة و القمر فیه: یدلّ علی اهویة و عجاج فی اوانه و قلةالأنماء و الأمطار.

قران عطارد و القمر فیه: یدلّ علی وقوع الموت فی الناس و ظهور جراد و هبوب ریاح شدیدة؛ و الله أعلم .

فصل

فی برج السنبلة

قران زحل و المشتری فیه: یدلّ علی خراب فی بلاد الروم و کثرة الأمراض و الموت فی الناس و قلة الأنداء و هبوب الریاح و صلاح الزروع و قحط فی الأهواز و موت یقع فی الوزراء و الکتّاب و بطالهم و حسن حال اهل القری و الشاه.

قران زحل والمریخ فیه: یدلّ علی خلف بلاد القبط و النسویة و آفات تعرض فی الزروع و الشجر و فساد یظهر فی الناس و جراد یظهر و حروب و موت الفجاه و غلا.

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی یبس الهوی و موت الملک و هلاک أکثر الامم و شدّة تنال العالم بالشمال و بالموصل و الجبال.

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علی حرکات الجند و مطر الشدید وخلف و موت النساء و خسارة الامراء و المطربین و الخیار و کثرة الخوارج و خسارة الکتّاب و مطر و رعد و برق و زلزلة.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی حروب و مخالفة الامراء .

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الرطوبات و الحروب و الموت بالسل و الذم؛ و الله أعلم .

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی حسن احوال التجّار و حروب تقع بالجبال و فرح ینال اهل العراق و الامرء و موت تقع فی الأکابر و القضاة و کثرة اللصوص و الفساد و مطر و هوی .

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی کثرةالمطر و ریاح و الخلف بین الملوک و موت ملک و رطوبة الجو و تغییر الأسعار و غلاءها و الزّعاج ارباب المناصب و موت بعض القضاة.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی عصیان بلد الروم و تسلیمهم لأعدائهم و حصار بعض المدن مع صلاح اهل بابل و سرورهم و کثرة السباع و قلة المطر و حسن حال النساء و المطربین و العلما.

قران المشتری و عطارد فیه: یدلّ علی کثرة طلاب العلم و فرح الوزراء و هبوب الریاح و زیادة الأنهار و نقص الغلة.

قران المشتری والقمر فیه: یدلّ علی نزال الأمطار و الأنداء و هوی؛ و الله أعلم .

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی کثرة الأمراض و الموت و موت ملک قوی و خسارة الأجناد و مطر وهوی؛ و الله أعلم .

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی فقد رجل کبیر و النساء و کثرة النفس و الفساد و المضار و حروب بین الملوک و قتل بعضهم و جراد و شدة الریاح و قوّة الجند و هلاک الوزراء و المطربین.

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی فتن و فزع بفارس و بالعراق و موت ملک صغیر و خوف یعرض فی اکثر البلاد وهلاک الکتّاب و توسط المیاه.

قران الشمس و القمر فیه: یدلّ علی کثرة المطر و الأمراض و الموت و الرقّة و الحروب .

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی کثرة المطر و الریاح و موت النساء و المطربین.

قران الشمس و عطارد فيه: يدلّ على حروب و ظهور الـروم و يـبس الهواء و مطر وخسارة الكتّاب و موت كثير.

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على كثرة الرطوبات و المياه.

قران الزهرة و عطارد فيه: يدلّ على حروب بين اهل العراق و الترک و ظهور العلوم الحكمة و مطر و افراح الكتاب و النساء .

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على حرارة الأمطار و حروب بـين اهـل فارس و الروم و اسقاط الحوامل و نفاق الدواب.

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على مطر و سيول إن كان اوانه و اهوية.

فصل

فى برج الميزان

قران زحل و المشترى فيه: يدلّ على محاربة الروم بعضها مع بعـض و كثرة الفتن وهيج الأعداء و احراقهم لأكثر المدن و قحط و رياح مهلكة و مطر كثير و زكاة الزروع مع كثرة الأمراض و السُّعال و قوّة يد العرب.

قران زحل و المريخ فيه: يدلّ على محاربة الملـوک بعـضهم بـبعض و موت النساء الأكابر و كثرة العشب و المطر و الموت و الامراء و كثرة المفيدين و اوجاع الدم و القتال و الخلف بين العرب و حمرة بالجوّ.

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی حروب بین الملوک و موت النساء و کثرة الأعداء و موت ملک بالحرب و شیب اکثر العالم و مطر و موت الصبیان.

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علی مطر و رعد إن کان اوانه و هوی و موت النساء و صلاح حال المشایخ و الفلاحین .

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی محاربة الملوک بعضهم ببعض و کثرة العشب و حرارة الأمطار و الأنداء و توسط الریاح و خسارة الکتّاب .

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی موت النساء الحبالی و الأطفال و شدّة تنال العالم و مرض و جوع و مطر.

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی کثرة الخوف و العداوة بین الامم و سوء حال التجّار مع موت کثیر فی الأکابر و کثرة اللصوص و نهب التّجار؛ و الله أعلم .

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی مطر و غیوم و موت و مرض و هلاک جماعة من الأکابر و المنسوبین .

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی صلاح احوال التجار و مرض ینال الناس و غلاءالطعام و قلة الزرع و افراح النساء و المطربین و مطر و غیوم.

قران المشترى و عطارد فيه: يدلّ على موت ملك بالعجم و بـالروم و كثرة اللصوص و قطع الطرق و نهب التّجار و قحط و رياح الباردة إن كان اوانه و افراح الكتاّب.

قران المشترى و القمرفيه: يدلّ على رطوبة الهواء و افراح الكتّاب.

قران المريخ و الشمس فيه: يدلّ على كثرة النقص بين المـوت و كثـرة الرياح التى تناسب ذلک الزمان و موت و امراض و حروب .

قران المريخ و الزهرة فيه: يدلّ على فتن و سيء و حريق و مضره تنال العالم و النساء و حرب و مرض و مطر .

قران المريخ وعطارد فيه: يدلّ على فساد حال الملوك ببابل و وقـوع الحروب ببابل وحريق بناحية العـرب ومـوت بعـض اولاد الملـوک و حـرب بالعرب و خسارة الكتّاب .

قران المريخ والقمر فيه: يدلّ على فقد ملک بديار رجيحه و المشرق و كثرة الهوام الوديء و نفاق الذوات و توسط المطر و حروب .

قران الشمس والزهرة فيه: يدلّ على كثرة الغيوم و الأمطار إن كان اوانه و موت النساء و الأشراف .

قران الشمس و عطارد فيه: يدلّ على نكبات بعرض الكتّاب و الفقهـاء رمة و رياح و مطر .

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على كثرة الرسل على ورود الأخبـار و اراجيف و مطر و هواء إن كان اوانه .

قران الزهرة و عطارد فيه: يدلّ على كثرة الرسل من الملوک بالصلاح و افراد اهل الموصل و مطر إن كان اوانه .

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على اعتدال هوى و قلة المطـر و طيبـة قلوب العالم .

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على كثـرة الهـواء و الأمطـار و صـلاح الزروع سلامة العالم.

فصل

فى برج العقرب

قران زحل و المشترى فيه: يدلّ على موت ملـک بالجبـال و خـراب بعض المدن و هلاک اكثر الناس و وقوع الموت و الفرق و الحريـق و العـداوة بين الامم و موت الحيّات و العقارب و كثرة الأمطار المهلكـة و الطوفانـات و خسارت القضاة و الفقهاء و افراح الفلاحين و الترک.

قران زحل والمريخ فيه: يدلّ على كثرة الفتن بناحية الجبال و فساد يقع فى اكثر الأقاليم و ظهور جراد موذى بالزروع و رعد و برق و حـروب و فقـد ملک و نقص بعض الامراء و هلاكه؛ و الله أعلم .

قران زحل و الشمس فيه: يدلّ على حروب بين الملوک و كثرة الموت و الطاعون فى الناس و كثرة الهوام مع رطوبة الجوّ و مـوت ملـک بـالعرب و ضائقة تنال العالم و أراجيف شنيعة و رعد.

قران زحل والزهرة فيه: يدلّ على تعب قلوب العالم و اراجيف و موت تقع فى النساء و شدّة تنال الناس و افراح الفلاحين.

قران زحل وعطارد فيه: يدلّ على كثرة الحروب بين الملوك و وقوع الطاعون في الناس و سوء حال الكتاب و موت الدواب و مطر و رعد إن كان اوانه.

قران زحل و القمر فيه: يدلّ على مراسلات بين الملوك و وقوع الموت و كثرة الرطوبات و مطر إن كان اوانه.

قران المشترى و المريخ فيه: يدلّ على حرب بالعراق و خراب اكثر اهل البلاد و سيء اهلها و كثرة الموت فى الأكابر و قتل و نهب و قلة المطر و السمک و المطر.

قران المشترى و الشمس فيه: يدلّ على رطوبة الهوى و موت كثير و اراجيف مزعجه و سوء حال القضاة و الاكابر.

قران المشترى و الزهرة فيه: يدلّ على غموم تعرض لملک الجبال و وقوع الخلف بها و موت ملک جديد و كثرة الموت في اكثر الأقاليم و حسن حال النساء و المطربين و كثرة الأمطار و إن كان أوانه .

قران المشترى و عطارد فيه: يدلّ على خلف بالشام و صلاح حال ارباب الأقلام و كثرة الرسل بين الملوك و حرب بالشمال و رياح شديدة.

قران المشترى و القمر فيه: يدلّ على كثرة الأمطار و إن كان أوانه و زيادة المياه؛ و الله أعلم .

قران المريخ والشمس فيه: يدلّ على كثرة الحروب و القتال و موت ملک لحأة[١] و يبس الهواء و حرارة الوقت و حاجة الملوک إلى الجند.

قران المريخ والزهرة فيه: يدلّ على موت بعض نساء الملوک و موت اهل الجبال على خوزستان و قلة الرطوبات و ظهور الأشياء الشنيعة.

قران المريخ و عطارد فيه: يدلّ على موت ملک ببادية العرب و ثوب اهل الجبال عليهم و بأكثر اراضيهم و كثرة الأرجاع فى العالم و الموت و خسارة الكتّاب و الرسل و مطر إن كان أوانه.

قران الشمس و الزهرة فيه: يدلّ على مطر و موت النساء و الحبالى.

قران الشمس و عطارد فيه: يدلّ على مطر و نداوات و هبوب رياح باردة إن كان أوانه.

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على مطر وهبوب رياح و كثرة اللصوص.

قران الزهرة وعطارد فيه: يدلّ على صلاح اهل الموصل و ارباب الأقلام و رعد و برق و مطرإن كان أوانه.

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على رطوبة و مطر إن كان أوانه .

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على حروب و موت الأطفال و النساء و امطار و هبوب رياح .

---

١. كذا فى النسخة .

فصل

فی برج القوس

قران زحل و المشتری فیـه: یدلّ علی وقوع البلایا و الشدائد فی اکثـر الأقالیم و الحروب بـأرض القبلـة و سـوء حـال القـضاة و الفقهـاء و وقـوع الأراجیف و ظهور الحروب بین اهل شام و الأفرنج و قحـط الحنطـة و کثـرة العداوة بین الامم و مطر و اختلاف الأهویة .

قران زحل و المریخ فیه: یدلّ علی وقوع الحرب بین الملـوک و کثـرة الموت فی الأقالیم و الأمراض و هبوب ریاح و رخص الطعام و حرب بالترک.

قران زحل و المشتری فیه: یدلّ علی وقـوع المـوت فـی المواشـی و وقوع الحرب بین الملوک و موت ملک عظیم و مطر و رعـد و بـرق و زکـاة الزرع و خسارة المشایخ و الفلاحین و الشاة.

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علی مـوت بعـض النـساء و الملـوک و خسارة المطربین و مطرإن کان أوانه و ریاح.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی فتن و موت و سوء حال الوزراء و الکتاب و ترک العلوم و الحکمة و حرب بین ملکین وخروج خوارج و هبوب الریاح و قلة زکاة الزرع.

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الموت و هلاک المرضی و قلـة النبات و کثرة العداوة بین الأعوام والرسل بین الملوک و مطر و هوی .

قران المشتری والمریخ فیه: یدلّ علی موت ملک بالروم و وقوع الموت فیها و حریق بعض الأماکن وشدّة البرّ و إن کان أوانه و رخص الطعام و وقوع الموت فی الأغنیاء و کثرة الأحزان.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی کثرة الامطار و وجع ملک بالعراق و کثرة الموت فی الأکابر.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی کثرة الأراجیف فی النواحی الشمالیة و حروب أکثر النواحی و صلاح حال النساء و الخواتین .

قران المشتری و عطارد فیه: یدلّ علی انتقال ملک من موضعه بالشام و حرب و صلاح حال ارباب البرید و اصحاب الأخبار و السعادة و النحاس و مطرإن کان أوانه.

قران المریخ و الشمس فیه: یدلّ علی رطوبة الجوّ و مطر إن کان أوانه و حرب و قتال و سفک دم و موت ملک و شماعه و خلف .

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی خسارة الوزراء و الکتّاب و اراجیف رسل بین الملوک و قتال و موت و سقوط الجراد و فساد الغلات و مطر.

قران المریخ و القمر فیه: یدلّ علی کثرة المطر فی زمانه وقتال و اراقة الدماء و موت و امراضهم فی جمیع الأقالیم .

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی توسط الأمطار و الریاح و موت یقع فی النساء و امراضهنّ.

قران الشمس و عطارد فيه: يدلّ على وقوع الوبا و الخلف بين الناس و رياح و مطر و موت ملک بالساحل .

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على مطر فى أوانه مع كثرة الجراد على الرعية و كثرة الأراجيف.

قران الزهرة و عطارد فيه: يدلّ على مطر و رياح و فتن فى جميع الأقاليم و اجتماع الناس بارض العراق.

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على استعمال الاغانى و اللهو و الشعف و المتعة بالنساء.

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على موقف المطر و تأخره إلى آخر السنة و يكثر و يموت ملک بالساحل .

فصل

فى برج الجدى

قران زحل ومشترى فيه: يدلّ على نفاق السعر و موت الغنم و المواشى و قلة الأنداء و نقصان المياه فى الأنهار و الآبار و فقد ملک بالعراق و الجبال و هلاک اللصوص و الوحوش و صلاح حال الشاة و فلاحين.

قران زحل و المريخ فيه: يدلّ على شدّة البرد إن كان أوانه و حروب و موت ملک و شرّ و لصوص و امراض مهلكة و حريق و قلة النبات و جراحات بعض الأمراء .

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی رطوبة الجوّ و نقص الامیاه و موت ملک و خسارة المشایخ و الفلّاحین و همّ ینال السلاطین و رسل بینهم.

قران زحل والزهرة فیه: یدلّ علی خلف و حروب بالروم و کثرة الأمراض فی النساء و موت الخواتین.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی وقوع الموت فی الأشراف و ارباب الأقلام و مطر و هوی شدید و نقص العشب و زلازل و خسوف و موت ملک صغیر السن .

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الرطوبات الأمیاه و المرض و الموت.

قران المشتری و المریخ فیه : یدلّ علی وقوع الموت بالروم و موت السباع و الهوام الموذیة و الطیر الماشی و الغنم وسنی فی أکثر الأقالیم.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی تجبر بعض الملوک ومکون ستّه صالحه مع موت الدواب و تحویل الاسعار و موت تقع فی العلماء و رطوبة الجوّ و زلازل و قلة الثّمر.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی فقد ملک بالروم و موت الغنم و قلة الطعام فی السواد و حسن حال النساء و الخواتین.

قران المشتری و عطارد: یدلّ علی حروب تعرض الیمن و سقوط ملک الروم و امراء عسکر و ثوب اعلامه علیه و افراح الوزراء و الکتّاب.

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الأنداء و الأمطار فی اوانه.

قران المريخ والشمس فيه: يدلّ على يبس الهواء و حرب قتال و فتن و خلف و اراجيف و موت و امراض .

قران المريخ و الزهرة فيه: يدلّ على حريق فى ارض اربل و العراق و موت النساء و حرب و مطر .

قران المريخ و عطارد فيه: يدلّ على موت ملك و اوجاع و موت فى الناس و فتن و سيء و موت فى الأغنام و قلة العصافير و الاوهان و برد شديد و مطر إن كان أوانه .

قران المريخ و القمر فيه: يدلّ على موت ملك صغير السن و قتال و فتن و سيء و كثرة الموت بالروم و بالجبال و مطر و هوى و حريق .

قران الشمس و الزهرة فيه: يدلّ على وقوع الطاعون و هبوب رياح و كثرة الموت فى الاطفال و سوء حال المُطربين و النساء و الخدم و غبار و تكدّر الجوّ و ضيقة تنال الكتّاب و اصحاب الجدل .

قران شمس و عطارد فيه: يدلّ على هبوب رياح.

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على كثرة الأمطار إن كان اوانه.

قران الزهرة و عطارد فيه: يدلّ على موت ملك بالروم و كثرة السبى و اجتماع اهل القرى و اسقاط الحبالى و شدّة البرد و موت ملك بالعراق و مطر.

قرآن الزهرة والقمر فيه: يدلّ على صلاح حال العالم و نجاتهم من المخاوف و رطوبة الجوّ و كثرة الأمطار و الثلوج.

قران عطارد والقمر فیه: یدلّ علی کثرة الأنـداء و الثلـوج و المطـر إن کان أوانه .

فصل
فی برج الدلو

قران زحل والمشتری فیه: یدلّ علی شدّة تنال الناس و قحط فی اکثـر البلاد و الاقالیم و خلف بین الملوک و السلاطین و القـضاة و الفقهـاء و مـوت عظیم و مطر و ثلوج و مدود الأنهار و حسن حال الفلاحین .

قران زحل والمریخ فیه: یدلّ علی وثوب الأعداء علی بـلاد العـرب و قلة الأمطار و حروب و اراجیف و خلف بین الملوک.

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی وثوب الأعـداء و شـداید بـأرض الحجاز و موت یقع بالمغرب مع رطوبة الجوّ و موت ملک.

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علی موت النساء و خسارة المطـربین و مرض و سعال و مطر .

قران زحل وعطارد فیه: یدلّ علی کثرة الأمطار و الجلید و زیادة المیاه فی الأنهار و قلة الرعود و زکاة الـزروع و مـوت یقـع فـی اربـاب الأقـلام و الوکلاء.

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی شدّة تنال الأعوام و کثـرة الأنـداء و الأمراض والموت.

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی حروب و قتال و هیج الأعداء علی بلاد و لایدوم ذلک و قلة الأمطار.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی یبس الهواء و ظلمة الجوّ و کثرة السمک و الطیور و موت الأکابر و القضاة .

قران المشتری والزهرة فیه: یدلّ علی خلف بارض فارس و قتل رجل مذکور و قحط أکثر البلاد و عزه و الطعام بارض الترک ومایلیها و صلاح حال اهل اربل و العراق.

قران المشتری وعطارد فیه: یدلّ علی قتل ملک و خراب مدینة بالمشرق و سفک دم بالروم و امطار و زکاة الزروع و صلاح حال ارباب الأقلام.

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الأنداء و الامطار و مدود الأنهار .

قران المریخ والشمس فیه: یدلّ علی یبس الهوی و حروب و فتن و موت ملک؛ و الله أعلم .

قران مریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی موت الملوک مع شدّة تنال اهل المغرب و تکثر الخراب بالحجاز و کثرة القحط و قلة المطر.

قران مریخ وعطارد فیه: یدلّ علی هلاک اهل الساحل بنواحی المغرب و تکثر الخراب بالحجاز و کثرة القحط و قلة المطر .

قران مریخ وعطارد فیه: یدلّ علی هلاک اهل الساحل بنواحی المغرب و موت ملک و کثرة القتال و الفتن فی أکثر البلاد و سیء بعضهم بعضا و کثرة الموت بفارس و بالعرب و نفاق البقروکثرة الصید و غلاء و مطر و انداء .

قران مریخ وقمر فیه: یدلّ علی کثرة الحرب و الفتن و خلاف بین العوام؛ و الله أعلم .

قران الشمس والزهرة فیه: یدلّ علی یبس الهواء و امطار مضره و ریاح باردة و موت النساء.

قران الشمس وعطارد فیه: یدلّ علی قوة الکتّاب و الامراء و حروب بین المجالس و القبلة و مطر و هوی بارد فی اوانه.

قران الشمس والقمر فیه: یدلّ علی کثرة الرعود والبروق والأمطار و زیادة النیل.

قران الزهرة وعطارد فیه: یدلّ علی خلف بین الروم و الترک و ریاح شدیدة و رعد و برق.

قران الزهرة والقمر فیه: یدلّ علی الأنداء و زیادة الأنهار و الابار و اهویة باردة و حسن حال النساء .

· قران عطارد والقمر فیه: یدلّ علی خلف بالروم وهبوب ریاح باردة و حسن حال النساء.

فصل

فی بروج الحوت

قران زحل و المشتری فیه: یدلّ علی حدوث الموت فی أکثر الأقالیم و هیج الأعداء علی الملوک و وقوع الخلف فیما بین الملوک و قلة السمک و کثرة الجراد و الأمطار و الثلوج و زیادة المیاه هلاک ملک بالعراق و جلوس ولده موضعه و حسن حال المشایخ و الفلاحین و فقد ملک بالمغرب و قحط بالعجم .

قران زحل و المریخ فیه: یدلّ علی وقوع الخلف و حروب و قتال فی أکثر الأقالیم و حروب فی بلاد الیمن و الهند و نواحیهم و سفک دم بالشام و العراق و فی الشتاء علی رعد و برق.

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی یبس الهواء و قلة الأمطار و سوء احوال الأشراف و فقد ملک عظیم و حرب و فتن .

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علی سقوط الحوامل مع کثرة الأمطار و الرعود و شدّة البرد و تهتک الاستار و شناعة النساء و خلف و خلاف و حملات بالجبال و اربیل و ارخص الأذهان و العرف.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی سوء حال الوزراء و الأشراف و الحساب و کثرة المطر و السمک و مدود الأنهار و رطوبة الجوّ .

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی قلة الأنداء و المیاه و الأمطار و موت کثیر و خلف.

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علـی ملـک بالـشام و انتقالـه إلـی غیرها بلده و اصطناعه المعروف مع رعیة و ظهور آیات و عجائب سـماویة و سلامة الناس من الأمراض و حرارة الهواء .

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی صـلاح احـوال الـسلاطین و طیبة قلوبهم و رسل بینهم و بالصلاح و حسن الغلات و موت ملک بالمغرب و رجل مشهور و مهنوم و امطار فی اوانها.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی شمول السلامة لأهـل الـبلاد و موت الحبالی و فتنة بالموصل و کثرة الأمطار و المیاه و زکاة الزرع و العشب.

قران المشتری و عطارد فیه: یدلّ علی حسن حال الوزراء و العلماء و الأشراف و قائدتهم منه الملوک و مطر و شدّة ریاح.

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی کثرة السمک و مدود الأنهار و کثرة الطیور و مطر و شدة الریاح.

قران المشتری والشمس فیه: یدلّ علی یبس الهواء و حروب بین الملوک و فتن و خلف و رعد و برق و مطر و طوفان .

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی موت ملک بالشام و کثرة المـوت و الوجع فی الأغنیاء و کثرة المطر و المیاه.

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی محاربة اهل الروم لأهل المـشرق و خراب بلاد کثیرة خلق و قتال بالحجاز و حرکات الکفر و موت فی الکتّاب و مطر و ریاح و عزل بعض الوزراء و تعب قلوب ارباب الأقلام .

قران المريخ والقمر فيه: يدلّ على خلف و حروب فى البلاد الشمالية و خراب بلاد كثيرة و قتال و حرب بالحجاز و مطر؛ والله أعلم .

قران المشترى والزهرة فيه: يدلّ على كثرة السمک و الطير و امطـار و تنال العشب.

قران الشمس وعطارد فيه: يدلّ على كثـرة الأنـداء و رعـد و بـرق و اهوته.

قران الزهره وعطارد فيه:يدلّ على صلاح احوال الناس و عدل الملوک و رعد و برق و زيادة المياه و كثرة المرسلات.

قران الشمس والقمر فيه: يدلّ على اهوته و رطوبة الجوّ و مطر .

قران عطارد والقمر فيه: يدلّ علـى خلـف بـالروم و زيـادة الأنهـار و الأنداء و كثرة الطاير و السمک.

تمّت القرانات.

فصل
فی منازجات الکواکب

إذا اتصل زحل بالمشتری مِن تسدیس أو تثلیث: یدلّ علی حسن حال المشایخ و الفلاحین و طیبة قلوب العبید و الخدم و رخص الطعام و قوّة الملوک و الأشراف .

و إذا اتصل به من تربیع: یدلّ علی انتشار الحروب و طلب الملوک بعضهم بعض و تعبیر امور کثیرة من الأحوال الملوک و کثرة الفتن و النهب و سوء حال الأشراف و القضاة و ارباب الناموس.

و إذا اتصل مِن مقابله: یدلّ علی حروب بین الملوک و الامم و فساد الأدیان و المذاهب و انقطاع الحج و نهبهم و تلاقیهم و رخص الطعام و کساده و اقبال الفلاحین و المشایخ .

و إذا اتصل زحل بالمریخ من تسدیس أو تثلیث: یدلّ علی تغییر امور العالم و خلف بین الامم وتحریک الأخبار و العساکر و رسل و مطر فی اوانه.

و إذا اتصل من تربیع: یدلّ علی کثرة اللصوص و السراق و انتشار الحروب و ینال الرعیة من الملوک شدّة و خسارة تنال الأخبار و المشایخ والفلاحین وتغییر امور شتی و کثرة المودین و حصار المدن و القلاع و اراجیف کثیرة و موت بالدم و الصلب.

و إذا اتصل من مقابله: یدلّ علی مضره العالم بعضهم لبعض و عداوة تقع بین الملوک و حروب و شرّ و موت و دم و تباعد بین الامم و طرق بین عسکرین عظیمین.

و إذا اتصل زحل بالشمس من تسدیس أو تثلیث: یدلّ علی افتقار الملوک إلی رعیّتهم و حاجتهم إلیهم و قوّة سلطان العرب مع حرکات الملوک و رسل بینهم و مطر فی أوانه .

و إذا اتصل مِن تربیع: یدلّ علی فقد ملک و موت سلطان و سم تنال الملوک و الرعیّة و اراجیف و تغییر احوال الملوک و قواعدهم و رسل بینهم بالبشر و تحریک العساکر و شدّة خوف و کثرة الأسرار و الاعتقال .

و إذا اتصل بها من مقابلة: یدلّ علی کثرة المنازعات بین الملوک و بین الامم و سوء حال الفلاحین و المشایخ و جفول السوادات و کثرة الجور علی رعایا و نهب و مطر فی أوانه و موت و أوجاع .

و إذا اتصل زحل بالزهرة من تسدیس أو تثلیث: یدلّ علی طیبة قلوب العالم و الفلاحین و المشایخ و طیّبة قلوب النساء و الخدم و مطرإن کان أوانه .

و إذا اتصل زهرة من تربیع: یدلّ علی عسر ولادة النساء و موت النساء و همّ ینال المطربین و الخواتین و فساد حالهم وخصومة بین الناس و هلاک و القطر و المطر .

و إذا اتصل بالزهرة من مقابلة: يدلّ على كثرة الخصومة بين النساء و ازواجهن و موت تقع فی النساء و هلاكهنّ و خسارة المطر و غمّ تنال الرعيّة و مطر كثير فی اوانه و خبا بالجبال و نواحی اربل .

و إذا اتصل زحل بعطارد من تسديس أو تثليث: يدلّ على اختلاف الرياح العاصفة و كثرة الغبار و الأمطار إن كان اوانه و حركات الامم و كثرة الأمراض و القطر فی الكتب و العلوم القديمة مع افراح المشايخ .

و إذا اتصل من تربيع: يدلّ على الخوف و كثرة الأراجيف و الأخبار المزعجة و خسارة تنال الكتّاب و موت و كثرة مرض و مطر إن كان اوانه و رياح مختلفة و استعمال الحر و الرقاء و الزور.

و إذا اتصل به من مقابلة : يدلّ على تزوير الكتب و كثرة الخصايم و المجادلات وكثرة الكذب و خسارة ارباب العلم و رخص الدواب و حركات العساكر وتنقل أكثر العالم من أوطانهم و همّ ينال اهل البلاد الذی تتولاه عطارد و اراجيف ترعجه و الثلج و الضّباب مع كثرة الأهوية و المطر إن كان أوانه .

و إذا اتصل زحل بالقمر من تسديس أو تثليث: يدلّ على اتصال الايمان الحاشة[1] و الزور و الوثاق و الحبوس و المطر إن كان أوانه .

و إذا اتصل به من تربيع: يدلّ على الجيوش و ضرب الضباط و كثرة الأمراض فی العالم السوداوية مع كثرة الهموم و الدم و اسقاط الحوامل و كثرة المخاوف بين العالم و الهموم و الأفكار و وقوعهم فی المكان؛ و الله أعلم .

---

١. كذا فی النسخة .

و إذا اتصل به من مقابلة: یدلّ علی کثرة الخصائم و الاهتمام بالفکر و وقوع أکثر العالم فی المکان و ما اشبه ذلک.

فصل

فی منازجات الکواکب بالمشتری

إذا اتصل المشتری بالمریخ من تسدیس:یدلّ علی کثرة الجهاد و الغزوة و الحج و اقامة المذهب و حسن حال الاحفاد و الاراء و فرج الملوک.

و إذا اتصل به من تربیع أو تثلیث: یدلّ علی کثرة الحروب و القتال و التغلب و اللصوص قطع الطرق و أخذ التجّار و تصیب العالم ثلاثة من السلاطین وفزع شدید و حرکات الجند وحرب بین الملوک و الاسلام و خلف موت بعض الأکابر و الزهاد .

و إذا اتصل به من مقابلة: یدلّ علی کثرة الخصایم و الظلم و النهم و اللصوص و مرض فی الروم و موت کثیر وحرب بین الامم و الکفر و ارباب الدّین و الناموس و حصار بعض القلاع.

و إذا اتصل المشتری بالشمس من تسدیس أو تثلیث : یدلّ علی فرح الملوک بالنواحی الشرقیة و الشمالیة و کثرة المراسلات بالصلاح و صلح بین ملکین و عهود و صلاح احوال الأکابر و الأشراف و رخص الطعام و مطر إن کان أوانه.

و إذا اتصل المشترى بالشمس من تربيع: يدلّ على اهويه و الرعاع ارباب الدّين و غضب السلطان عليهم و مضرة تنال العراق و فقد رجل مذكور و خلف .

و إذا اتصل المشترى بالشمس من مقابله: يدلّ على هبوب رياح عاصفة و كثرة الخصايم و المنازعات و الشناعات و خلف بين ملكين عظيمين و نقض عهود و ايمان و تغيير قواعد قديمة و مضره تنال العلماء و ارباب الدّين.

و إذا إتصل المشترى بالزهرة من تسديس أو تثليث: يدلّ على تدين النساء و زهدهنّ و متايهن مع افراح المطربين و الخواتين و طيبة قلوب العالم مع تحرک الأسعار و افراح اهل الدين و اهل العلم و مطر إن كان أوانه .

و إذا اتصل المشترى بالزهرة من تربيع: يدلّ على كثرة المراسلات بين الملوک و افراح اهل ناموس و المذهب و كثرة الجدل و المناظرات و كثرة الفطن و الأذهان و الرياحين و مطر و هوى ينسب إلى ذلک الوقت .

و إذا اتصل المشترى بالزهرة من مقابلة: يدلّ على كثرةالفتن بين النساء و ازواجهن و طيبة قلوب الخواتين و المطربين و فرح الرعيّة و مطر و هوى فى اوانه .

و إذا اتصل المشترى بعطارد تسديس أو نثليث: يدلّ على فرح الوزراء و ارباب الاقلام و كثرة الجدل و المناظرات عند اهل العلم و مطر و هوى فى اوانه.

و أذا اتصل المشترى من تربيع: يدلّ على خصايم بين الفقهاء و ظهوراسراركثيرة مع الكذب و الزور و كثرة الأراجيف الكاذبة و أخبار مزعجة و حركات الكتّاب و تغيير ارباب المناصب و مطر و هواء و كدر الجوّ.

و إذا اتصل المشترى بعطارد من مقابلة : يدلّ على الخصايم بين العلماء و الجدل و كثرة المراجعات فى المعاملات و تغيير بعض ارباب المناصب و الدواوين كرقيقة و رسل بين الملوك و افراحهنّ و هواء و مطر و ضباب و عجاج بان كان اوانه .

و إذا اتصل المشترى بالقمر من تسديس أو تثليث : يدلّ على ظهوراهل الدين و الربوبية و ظهور مدعى بدعاوى باطلة بغير ديانات و صلاح احوال العامة و فرح و اخبار طيّبة و هوى طيب .

و إذا اتصل المشترى بالقمر من تربيع: يدلّ على كتمان الأسرار و الديانات وارتفاع ينال العباد و كثرة التعبد و تجديد مساجد و بيوت العبادة و كثرة الأراجيف و الجدل و الخصام .

و إذا اتصل المشترى بالقمر من مقابلة: يدلّ على كثرة الخصومات فى الاديان و الفقه و المحاكات.

و إذا اتصل المريخ بالشمس من تسديس أو تثليث: يدلّ على ظهورالملوك و قوّة ايديهم وحركات العساكر و الأخبار و نظر الملوك فى حق الجند و عزّة الأسلام و اخبار طيبة نشرالأخبار و مطر فى اوانه .

و إذا اتصل المريخ بالشمس من تربيع: يدلّ على موت ملک أو أمير و كثرة الموت و المرض و الجدال و انتشار الحروب و خلف بين الملوک و كثرة جورهم على بعض و هم ينالهم و خصايم و فتن بين العالم و كثرة الظلم و حريق و نهب و خراب بعض الحصون أو أخذه .

و إذا اتصل المريخ بالشمس من مقابلة :يدلّ على الحرب و القتال و الخلف و منازعة و هيج الحرب و خسارة الملوک و موت ملک أو امير أو نقص على بعض الامراء و موت كثير و اوجاع الدم و مقابلة بين ملكين أو عسكرين على حرب و مصاف و هوى و عجاج .

و إذا اتصل المريخ بالزهرة من تسديس أو تثليث: يدلّ على كثرة النسک بسهولة ولادة النساء مع حسن حال الجند و حاجة الملوک إليهم و رخص الأسعار .

و إذا اتصل المريخ بالزهرة من تربيع: يدلّ على كثرة الزنا و الفجور و الفساد مع كثرة الهيكة و افتضاح النساء بلاء يقع فيهم و مكاره و موت و الزعاج ينالهنّ و مطر فی اوان و خباط فی نواحی الشمال و الجبال و نواحی اربل و جفلات و خوف و هوى مزعج و عجاج .

و إذا اتصل المريخ بالزهرة من مقابلة: يدلّ على شدّة تنال النساء و موتهم و عسر الولادة و موت الأطفال و فقد ملک صغير السن و كثرة الفساد و فرح الامراء و الجند و خلف بالجبال بشمال.

و إذا اتصل المريخ بعطارد من تسديس أو تثليث: يدلّ على كثرة حركات العساكر و السلاطين و رسل بينهم بالمودة و طلب الجهاد .

و إذا اتصل المريخ بعطارد من تربيع: يدلّ على خسارة تنال ارباب الأقلام و المتصرفين و كثرة الأمراض و الموت وعزل بعض الوزراء و موت ملك صغير السن و اراجيف و قبض و خلف و اخبار مزعجة و تغيير الأسعار و رخص الدواب و حركات الأجناد و ظهورالسلاح و حرب لسرد و مطر و غزو في الكفر .

و إذا اتصل المريخ بعطارد من مقابلة: يدلّ على كثرة الخصايم بين العلم أو الجدال والخداع و المخاريق و الاعمال الناريه و كثرة المكر و قتل و السرقة و خسارة تنال ارباب الأقلام و قبض وزير و موت ملك صغير السنّ .

وإذا اتصل بالقمر من تسديس أو تثليث: يدلّ على حسن حال الامراء و الأخبار و ارباب السلاح .

و إذا اتصل المريخ بالقمر من تربيع :يدلّ على جور الملوك على الرعية و ظلم و قياد الجيوش و كلّ عمل بالنار و كثرة الأراجيف .

و إذا اتصل المريخ بالقمر من مقابلة : يدلّ على كثرةالحروب و القتال و المنازعات و الظلم و الزور.

و إذا قارنت الشمس للزهرة: يدلّ على ضرر ينال النساء الحبالى و موتهم و خسارة ينال المطربين و الخواتين و مطر و رياح باردة و ضباب إن كان أوانه .

احتراق عطارد: يدلّ على كتمان الأمور و الأسرار و مطر و رعد و برق فی اوانه و غبار و عجاج و مرض و موت و خسارة الوزراء و الكتّاب.

و إذا اتصل الشمس بالقمر من تسديس أو تثليث: يـدلّ علـى ظهـور الأسرار و افشائها و صلاح احوال العامّة و مطر إن كان أوانه .

و إذا اتصل المشترى بالقمر من تربيع: يدلّ على شدّة و عسر و تعب قلوب العالم من الملک و ظهور اسرار الملک .

و إذا اتصل الشمس بالقمر: من مقابلة يدلّ على المصادرات و عـداوة بين ملكين .

و إذا قارنت الزهرة بعطارد: يـدلّ علـى ظهـور الأجنـاد و الكتـب و الاشتغال بالعلوم و صلاح احوال الوزراء و اربـاب الأقـلام مـع كثـرة اللهـو و الاشتغال بالنساء.

و إذا اتـصل الزهـرة بعطـارد مـن تـسديس أو تثليـث: يـدلّ علـى ظهورالمودّة بين الامم و صلح بين ملكين و فـرح الكتّـاب و الـوزراء و اهـل الموصل و مطر فی اوانه.

و إذا اتّصلت الزهرة بالقمر من تسديس أو تثليث: يدلّ على اسـتعمال الناس الأغانی و الرقص و الخروج إلى الفرح و البساتين .

و إذا اتصلت الزهرة بالقمر: من مقابلة يدلّ على الخصائم بين النساء و الرجال و غدر النساء و ما أشبه ذلک و اراجيف العالم؛ و الله أعلم .

و إذا اتصل عطارد بالقمر من تسديس أو تثليث: يدلّ على نظر العالم فى العلوم و طلبها و اشتغالها و مطر و هواء إن كان أوانه .

و إذا اتصل عطارد بالقمر من تربيع:يدلّ على طلب الكتب و العلم السحر و الاسرار الخفيّة و النّجوم و كلّ شيء يَسِّر و يكتم .

و إذا اتصل عطارد بالقمر من مقابلة :يدلّ على مناظرة الناس فى العلوم الزهديّة و كثرة المجادلات و نفاق الكتب.

فصل

فى اشراف الكواكب

شرف الشمس: يدلّ على افراح الملوک و السلاطين و اخبار لترسيم و اطلاق السجون .

شرف القمر: يدلّ على افراح العامة و السوقية و الاوباش .

شرف زحل: يدلّ على علوّ مراتب المشايخ و طيبة القلوب الفلاحين و رخص الطعام و معاش العلم و النساء و افراح العبيد و السودان و الفقر و اليهود.

شرف المريخ: يدلّ على سعادة الامراء و الأخبار و كثرة خيرهم و زيادة اموالهم و معاش ارباب السلاح و صنّاع النّار و كثرة اللصوص و قطع الطريق.

شرف الزهرة: يدلّ على صلاح حال المطربين و الخواتين و افراح النساء و سلامتهم و افراح العالم .

شرف المشترى: يدلّ على فرح القضاة و الفقهاء و العدول و المشايخ و الزهاد و الاشراف و الوزراء و رخص الطعام و طيبة قلوب العالم .

شرف عطارد: يدلّ على طيبة قلوب ارباب الاقلام و الوزراء و سلامة التّجار و زيادة فوايدهم.

فصل

فى احوال الكواكب مع الرأس

زحل مع الرأس: يدلّ على زكاة الزروع و النبات و كثرة الخيرات و الفواكه و اقبال الفلاحين و المشايخ و العبيد و السودان .

المشترى مع الرأس: يدلّ على حسن حال ارباب الدين و الناموس و رخص الطعام و طيبة قلوب العالم و الرعيّة .

المريخ مع الرأس: يدلّ على طيبة قلوب السلاطين و ارباب الجند و كثرة اللصوص و العرايس اقبالهم .

الشمس مع الرأس: يدلّ على فرح الملوك و اخبار طيبة و رسل و اقبال الممالک .

الزهرة مع [الرأس]: يدلّ على فرح النساء و المطربين و الخدم و الخواتين و اقبال العالم و الرعيّة و مطر إن كان أوانه.

عطارد مع الرأس: يدلّ على صلاح حال الوزراء و ارباب الأقلام و اهل الموصل و مطر فى اوانه.

القمر مع الرأس: يدلّ على اخبار طيّبة و افراح العالم .

فصل: و امّا الكواكب مع الذنب فعكس ما ذكرناه؛ و الله أعلم .

فصل

فى احوال الكواكب عند ظهورها

ظهور المشترى مشرق: يدلّ على اقبال القضاة و الفقهاء و حسن حالهم و طيّبة قلوب الرعية و العبيد .

ظهور المريخ مشرق: يدلّ على حسن حال الاجناد و افراح .

ظهور الزهرة مشرق: يدلّ على قلة المطر و افراح الخواتين و المطربين و طيبة قلوب الرعيّة .

ظهور عطارد مشرق: يدلّ على فرح الوزراء و ارباب الأقلام و طيبة قلوب الرعيّة و العمداء هواء و مطر إن كان أوانه.

فصل

فى غروبها

غاب زحل : غرب يدلّ على خسارة المشايخ والفلاحين و مطر و تغيير الجو و هم ينال العالم و بطالة الرعيّة .

غاب سا ى ب : يدلّ على توقف حال ارباب الدين و الناموس و غبار و مطر إن كان أوانه .

غاب ح ب: یدلّ علی خسارة تنال الامراء و الأجناد و قبض بعض الامراء و الاجناد و قبض بعض الامراء و توقف احوالهم.

غاب سا و ق: یدلّ علی مطر و هوا و برودة الزمان و موت یقع فی النساء و خسارة المطر بین و الخواتین.

غاب و ب: یدلّ علی عجاج و هواء و مطر إن کان أوانه و خسارة الکتاب و ارباب الأقلام و المتصرفین و الوزراء .

فصل

فی احوال الکواکب عند استقامتها

م ل: یدلّ علی طیبة القلوب الملوک و السلاطین الکبار و ملوک الغرب و فواید اتّصل إلی المشایخ و الفلاحین و افراحهم و افراح العبید و الخدم .

م ی: یدلّ علی فرح القضاة و الأکابر و الفقهاء و قصر الطعام و مفاقة و رسل بین الملوک بمایسرهم .

م ح: یدلّ علی الاجناد و عزّة نفوسهم وکثرة حوائج الملوک إلیهم و عزّة السلاح.

م ت : یدلّ علی فرح العالم و النساء و المطربین و اهل اربل .

م و: یدلّ علی فرح الوزراء و اهل الأدب و الکتّاب و طیبة قلوب العالم و مطر إن کان أوانه .

فصل

فى احوال تأثيراتها في الأقاليم

زحل: له الأقاليم الاول و ابتداء من خط الاستواء إلى أن يمشى فى حده ٢٠ و ٣٠ دقيقه و هوالسند و الهند و الحبشة و القبط و سود من الجنوب و المغرب و اليمين و غرب و النبط.

الأقاليم الثانى للمشترى: و ابتداءه من حدّه ٢٥ درجة و ٣٥ دقيقة إلى عرض٢٧ درجة و ٤٥ دقيقة و هو بابل و فارس و اهل خراسان و الترک و البربر و افريقة إلى المغرب.

الأقاليم الثالث للمريخ وابتداءه : من حده ٤٧ درجة و ٤٥ دقيقة إلى ٢٢ درجة و ٢٥ دقيقة و هو الشام والروم والصفالية و من كان فيما بين المغرب و الشمال .

الأقاليم الرابع للشمس: و إبتداءه من حد٣٣ درجة و٤ دقيقه إلى حد ٢٩درجة ٤٥ دقيقة و هو الحجاز و بيت المقدس و جبل لبنان و ارمنيه و الان و الديلم و خراسان إلى الصين.

الأقاليم الخامس: إبتداءه من حد ٤٩ درجة ٤٩ دقيقة إلى حد ٤٢ درجة و هو بابل و العرب و الحجاز و مايليه و ما كان العمان فى جزيرة أو وسط آخر.

الأقاليم السادس: إبتداءه من حد ٤٣ درجة إلى حدّ ٤٩ درجة و ٣٥ و هو مكة و المدينة و ارض العراق و الديلم و جيلان و طبرستان .

الأقاليم السابع: إبتداءه من حد ۴۹ درجة و ۳۵ دقيقه إلى حدّ ۶۳ درجة و ذلک الشمال و هو الموصل و آذربایجان و دروب العوام من الناس فی کل موضع .

باب
اوجات الکواکب

ح ل: يدلّ على صلاح احوال الشاة والمشايخ و طيبة قلوب الاکراد و اهل الجبال .

ح ى: يدلّ على صلاح احوال الفقهاء و القضاة و اهل الدين و الناموس.

ج خ: يدلّ على كثرة فوايد الجند الامراء و صلاح معايش السلاح .

ح س: يدلّ على حاجة الملوک إلى الجند و جرّالزّمان شيخوخية و هبوب السمايم و قوّة الترک .

ح ه: يدلّ على طيبة قلوب الخواتين و كثرة فوايد المطر بين و فرح العالم .

ح د: يدلّ على كثرة فوايد الكتّاب و طيّبة قلوب الوزراء و كسب المداء و افراح العوام و المتصرفين .

و امّا حضض الكواكب: فهو بالضد من الاوجات؛ و الله اعلم .

باب
فى طوالع السنين

إذا كان طالع السنة برج الحمل : فـانّ المـستولى عليهمـا الـشمس و الرأس يدلّ على خصب السنة و حال المواشى و نموها و تناسلها غير أن الكرم يلحقها الرقان و مسلون و يكون المطر متصلها و يوجب فزع السلطان و ارباب الدول الكبار على حسب مواقع الكواكب من طـوالعهم هـذا علـى التحقيـق و القياس الصحيح و يختص اهل بابل باشراح صدورهم و ارتياح قلوبهم و قـوّة الأنفس وتكامل الانس و يدلّ على اعتدال يلحق الكبار محسن له سـناحة و ذكر و ظهر الجدرى و الحمرعلى الاطفال و تصيب البهـايم مـن دوات الاربـع الموت و تأتى تسعة عشر يوماً مطر تخلو من تمور إلى انقضاء عشرين يوماً و يسعى السلطان أن يراعى حال مولده، فإن نامت هذا الحال الموجب لما ذكرنـا سلطف فى تدبيره و امر بدنه و اعدنيـه فـان الـسنة موجبـة لكثـرة الامـراض بخراسان و ارمنية إلى حين تحويل السنة و يدلّ على اضطراب اهل خراسـان مع سلطانهم حتى انهم يعتقدون القيل به و لايقدرون و يستولى الجراد عليهم و يفسد زرعهم و يسقط فى بلد يعوق ما لمكان بلقة الرمانية تلوح عظمة يفـسد الطرق و يموت سلطان الأهواز منتقل الملک إلـى ولـده و سـحلف العـرب و سهب بعضهم بعضاً و يقصد سلطان بابل مدينة أُخرى فيفتحها و يدعو اهلهـا بالطاعة و يعوذُ إلى مستقره مظفراً و يهلک حرنه .

و إذا كان طالع السنة الثور: فالمستولی علی السنة الزهرة الرأس يدلّ علی صعوبة السنة و شدّتها و قلة الأمطار و الأنـداء فيهـا و يـدلّ علـی تلـف الحيط و البقر عند حصارهما باقة البرد و علی حسن حال الثمـر و يجـی فـی السنة مطران ثم تنقطع المطراربعة و ستّين يوماً ثم يصل الرعد و البرق و البرد الكثير المفرط و تهلک الغلات فی مواضع من الأرض و يلحـق النـاس رجـع الخلق وسقط ابدان الناس و يظهـر علـيهم الخراجـات و يـستولی علـيهم الا سترخاء و يضطرب اهل بابل و يختص الاضطراب باهل الدول و ينالهم عسف و مكروه من جهة السلطان و سفک الدماء و يعم الغم للعالم و من بعد يحـسن حال السنة و ترخص الاسعار و تقع الغلا بخراسان و فی البلدان المتواريه عـن حد المغرب و المشرق و يسقط فيها ثلوج كثيرة يتصل بيـنهم القتـل و يتفـزع رعيتهم من ظهر فرسه و يموت رجل كسر القدرما لأهـواز و يقـع الوبـا فـی دوات الاربع قوائم و يكثر الحشرات مثل الحيّات و العقارب و يظهر الجـراد و لايضر و يكثر الامراض ببابل و يستولی الاسترخاء عليهم فی آخر السنة و تبع الخيرات و يستقيم الامور ؛ و الله أعلم و أحكم بالصواب

و إن كان طالع السـنة الجوزاء: فان السنة جيده و يكثـر الخيـرات و رخص الاسعار و يزيد المياه و يتـصل المـدود و يكـون الامطـار و مواليـة و يحسن حال الثمار و يلحق الناس مع ذلک اضطراب ترفـع الغـلات و تزكـو و تكثر الثمر و تصيب الروم اليرقان وحينئذٍ يـزول الاضـطراب و يـستقيم عنـد توسط السنة و العلاب السلامة و السكون و الفرح و اشتغال الناس بالمـسار و

الملاء لأهل الحبالي سقطه و يكثر موت الأطفال و تماوت الكلاب و يكون بالروم غلاء مع اتصال الأمطارغير أنّ حال الثمار يحسن عندهم و يقع الوبا فيهم و تصيبهم الأمراض و قل ما يتخلص المريض منهم و يقع الوبا بخراسان و يموت امرأة رجل عظيم الشأن بها و ترخص الاسعار و يزيد المياه حتى يقطع الطرقات و تظهر اللصوص و يقل العشب و يتصل الفتن و الاضطراب بأرمنية و يكون الخلاف عن اهلها و يقيمون و يلحقهم الاسترخاء و إن قابلهم السّلطان عليهم و الاستعلاء عليهم و قهرهم إلى السلاح السنة و المرض و ملک بابل و المشرق على الموت فإن كان فى اصل مولده الزهرة و تخلص و إن كان ثم مناظرة و مشاركة لها من المريخ احتراق النار غير انّه يسلم روحه و يكون مدة عليه اثنى عشر يوماً و تقع فى مدينة غريبة للأعداء و يعاد و موضعه و يتنظم امره و يطيعه الناس على اصحابه و المختصين به من خدمه ؛ و الله أعلم .

و إذا كان طالع السنة السرطان: فإنّ المستولى عليه القمر يدلّ على ترجع الأمور بين الصلاح و الاضطراب و يكون المياه متوسطة و يأتى ستة نظرات و يسفک الدماء و يحسن حال التمر و تزكو ثمرها على أن الآفة يلحقها يحدث امراض صعبة مختلفة و الغالب من الامراض الاسترخاء و النفع و اوجاع الحلق و يقع الوبا فى النساء و تهلک الوحوش و ذوات الاسنان و المخالب و تماوت المواشى و يضطرب امر ملک بابل و يجتمع الأعداء و يعيشون فى بلاده و يستولى عليهم ثم ينصرفون منها إلى أملاكهم و اماكنهم و يسرالملوک وراءهم متبعا اثرهم و لايظفر بهم و لايصل إليهم و يحسن حال

بلاد الروم و يخصب سنتهم غير أنهم يلحقهم اوجاع للعين و وجع الاحشاء و الحلق يعترى الناس شبه الجنون و الوسواس و يستكلف الكلاب و تقل المياه و سماوت القمر و يشمل بلاد المغرب الهموم و الغموم و يختلط امرالناس و يخرج الخوارج من اهل البر و سكان القفر و اصحاب موتات الشعر و يستولى على المدن و يقهرون اهلها و يملكون المدن و يسفكون الدماء اربع شهور و يقابل ملک المغرب ملک بابل و يلحق ملک المشرق ضيق صدور يقيم و ربّما يموت له من يغيرعليه و يكون آخرالسنة اجود من أولها و يكثرالطعام فى وسط السنة و يمطرالشتاء امطاراكثره و يكثر حمل الكروم و يقل ماء نيل و يكثر في البحر سفن كثيرة .

و إذا كان طالع السنة برج الأسد: فإن المستولى عليها الشمس و الرأس و هى سنة مودته بالخير و اصلاح العالم و انتظام امر الخلق و اتساع الرزق و ترخص الأسعار و يحسن حال الثمار و النبات و تدوم رياح الشمال و تكثر الجراد و لايوذى مع زيادة المياه مفرطة و اتصال المدود دقيقتين و تالى مطرعامان و اربع مطرات متواليات متوسطه الحال و ينقطع المطر يوماً ثم يعتدل امرالسنة مع عرازة الأعين و تقلّ المياه فى الصيف قلة عظيمة ثم ينال السلطان الاعظم ملک اشرق و الفرح و السرور و يشمل بلاده الرخص و يجعل له اموال كثيرة فإن كان للمشترى فى طالع السنة فان الامن و السلامة يشعل العالم وتقع الوبا فى العالم و يقصد ارض بابل قوم الاعداء و لايتمكنون منها ابداً و يعودون إلى مواضعهم مغولى و يلحق ملک بابل و هن يموت بعض

اولاد الملوک و يستولي الغمّ على السلطان و يصيبهم أمراض و يلحق الثمار آفة و يحسن حال بلاد الهند و يشملهم الفرح و يقع فی بلاد طبرية و خوزستان الفزع و الاضطراب و الهلع و الوباء و يقتلون من الأعداء و لايثبتون لهم و يقابلونهم و يستسلمون اليهم و لک يكون آخر السنة و تقل للعلان في بلاد يشمل البرد و بخراسان و تكثر الثلوج .

و إن كان طالعها السنبلة: فالمستولى عطارد و الرأس يدلّ على قلة ثبات الأمور فيها و على سرعة الخلال كلما ينعقد و الصاح كلما ينسرم و انتشار و كلما يشطم و يستحكم و يكون العالم على احوال السنة الثلث الشدّة و الصعوبة و يكون الأمراض كثرة خصوصاً وجع الحلق و الاجفان و الجهة و قلة الشقيقة و ذلک الا كان الرأس رب السنة تكثر الوبا و لايطول المغره فيه فان ترسل المريخ في طالع السنة غسر انتصافها دلّ على سفک الدماء و كثرة الفزع و شدة الوحل و الجوع و اختلاف قلوب الآبائ على الاولاد و يدلّ على الغموم و الاضطراب بناحية الجنوب و تقع النهب الأكثر مواضع و تشبک الحروب بين ملكين و يسفک الدماء و يلحق السلطان شدّة و خوف عظيم و تقل مدة إثنى عشر يوماً و يضطرب امر ملكه و امرالناس المتعلقين به ثم يستولي على اعداء و يقهرهم ويملک رقّهم و يحصلون تحت طاعته و إن كان للزّهرة شركة فی الطالع فإن الزنا يكثر و الفواحش و إن كان زحل شركة فإن البكاء والهموم والغموم يكثر فی العالم و إن كان للمشترى شركة و هبت اكثرالشدائد عن مهما لم و اندفعت و يحسن حال العسكر و تقل القمر و

تخصب الأهواز مع وقوع الوبا بها وتقع بخراسان ثلوج كثيرة و يتصل الحروب ببلاد المغرب و تكثر السبى و يشتد الغلاء فيها و فى بلاد الفرس و يموت رجل قدر و ذكر و تقع الحروب بين العرب و يكثرالنهب فيهم و يتقابلون و يحسن حال المطربين و يستوى ملک بابل على اعدائه و يستعلى عليهم؛ و الله أعلم .

إن كان طالع السنة الميزان: فإن المستولى عليها الزهرة شركة الذنب و هى سنة تدوم فيها رياح الجنوب و يكثرالمطر حتى تنادى الناس به و يكون فيها حروب عظيمة و خلف و ريد المنامى اولها و لها زيادة مفرطة حتى يعرف العالم و بلاد كثيرة و يكثر الجراد و يظهر الاقريح و تقع الطاعون بمصر و يكون حروب كثيرة و شدائد و هى سنة ممتزجة الحال بين الشدّة و الرخاء الاونه تكثر فيها الخطة والتسعير و سقف أكثرها بالثلوج و البرد و الهواء الشرقى مع هلاک الكروم و يدلّ على تناسل المواشى و كثرة حملها و كثرة الألبان و اوّل السنة خير من آخرها و يكون الأمطار عظيمة فى اولها و يكون قطرها غريزا و درّها خمسة مطر وعدو النصر القطر سبعة و يشتد الشوة النساء و يلحقهم الهيجان و يطرحنّ انفسهنّ على الرجال و بكم الصبا ما فى الصحارى و يحلن و يسقطن اولادهن و الاحرار يباشرون العبيد و الإماء لاختلاط الذنب بطالع السنة و يدلّ على اضطراب الناس و كثرة الوبا و كثرة البكاء فى العالم و يخاف على ملک بابل من يوم سادس عشر حزيران إلى إثنى عشر يوماً من نمويش له أن يخدر ركوب الخيل و يكثرالخلوة و يخسبب الحركة و لاتعرب النساء و متى تهاون بهذه الاسباب و لم عنها زال ملكة و تعشر على اصحابه و

صارمحبوسا فی جلده لمّا یتداخله من الدهشة و ضیق الصدر و یدلّ علی وقوع البلایا ببلاد الروم و کثرة الأمراض بخراسان و بلاد الفرس و تخصب و تتسع الخیرات بها و تکثر الثمار و یتغیرالملک ببلاد الهند و تقع فی هذه السنة خلف بین الملوک و یلتقی جیشان عظیمان و خراب بعض البلاد و حصار بعض القلاع و سفک دم و قطع الایدی و الارجل و الصلب و کثرة الجور علی الرعایا و خباط ما بالموصل و کثرة حقول السوادات و توقف معاش العالم و مضر بهم الا ان یدفع الله یقد.

و إن کان طالع السنة العقرب: فإن المستولی الذنب و القمر یدلّ علی صعوبة اوایلها شدّة وآخرها وفقها و قلة حصها و هی سنة تکثر فیها ریاح الشمال و تدوم و رخص الطعام فی اولها و یعسر فی آخرها و شمول الاضطراب و الجوع فیها و یظهرالجراد و لایودی و یکثر حمل الکرم و یکثر الذنب و علی سفک الدماء ببلاد المغرب و علی ذهاب اموال الناس و تلاشی احوالهم و هلاکهم بالسیف و علی اشتباک الحروب بخراسان و یعمه الغم و الاضطراب ویموت اهل الملک ببلاد الهند و هل ملک الهند علة مدتها اثنان و عشرون شهراً و تضطرب امراته و سحوله بالعشب من نفسها و تدلّ هذه السنة علی خصب الأهواز و بلاد الروم و کثرة المیاه و الخمور وعلی وقوع الفزع و خفتان الفراء من شدّة الدعی فی بلاد ارمنیة و کثرة الجور و العسف و انهم یعقدون کل من یعاونهم و تقع فیهم مع هذه الأسباب المذکورة الوبا و الآمراض و أوجاج الحق بالحُمیات المختلفات و ینتهی الأمر بینهم ولی الاستسقاء و

الاعلال المريضة ويدلّ ايض على قلة الغلات و الثمر و حسن حال العسكر و الخمور و على أنّ بعض الملوک تقل اثنى عشر يوماً بالحمى و الصداع ثم يرى تعب اهل العراق شدّة و يعقد ملک فى اواخر السنة .

فإن كان طالع السنة القوس: فإنّه يدلّ على شدّة السنة و صعوبتها و كثرةالاضطراب و الفزع و اشتباک الحروب فى التّصال فى كل مكان و ثوران الأعداء على العالم و يوجد أموال الأغنياء و يلحق بعض الملوک وجع من الخمر و الصداع و شقى فيها اثنان وعشرون يوماً و يحسن حال الثمار و الفواكه و يحسن حمل الكرم و يكثر الذنب و الغنم ويكثر الثمار بارض بابل و يرحون الثمار ويكثر سفک الدماء و النهب والفارات بالشام و تقل الغازات و الخمول و يحسن حال التموز و يخصب بلاد الأهواز و تقع النهب فى بلاد الروم و يشمل السلامة والأمن ببلاد الفرس يملو الطعام فى اول سنة ثم يرخص فى مافيها و لو لا امتزاج مطر المشترى و حصول رب السنة لا سلم كثر من العالم فيها .

فإن كان طالع السنة برج الجدى : فإنها سنة تدوم فيها السموم و يحسن فى ها كل زرع احرب حربه و المستولى على السنة المريخ يدلّ على توسط حال السنة و امتزاج امور العالم فى الخير و الشرّ وترجح الأمور و هذا الأمرين من خير و شرّ كثمره يحسها زنبور غران للدماءتسفک فى ارض بابل و نواحيها و يسعى للملک إن سواعى امر نفسه من إبتداء اليوم الثانى عشر من تموز إلى القضا ستة و عشرين يوماً منه و يمنع نفسه من الشهوات النفسانية

يحترز من الملاهی ومديرا منوّره و رأی وزرائـه و يحـشف النـساء و ركـوب الخيل و الشم عن مباشرة الحروب وممارستها نفسه و يتلطف فی امور كلها إلی أن يجوز هذه المدّة المذكورة فمتی اهل هذه الاسباب تعب قلبه و ندم و تكثـر الاضطراب فی مدينة و تدلّ هذه السنة ايضاً علی فساد التمر و الخمـر و تقـل حمل الكروم و مالی فی السنة اربع مطرات عظمة الوقع غزيرةالقطـر و نزولتـه عشر مطرة و يكون حال المياه متوسطة هذا بعد ان يقطع المطر اثنان و أربعون يوماً و علی أن يحسن حال العالم بعد ذلک .

وإن كان طالع السنة الدلو: فإنّها سنة يكثر فيها ريـح الـدبور و تكثـر فيها مانيل مصر فإن المستولی عليها زحل و المشتری و الـشمس يـدلّ علـی حال السنة بعد اختلافها و فسادها و قد مثلث بالسنان حامل يكون ماهه بعـد الخمول و يكون سنة خصبه يشمل العالم السرور و الفرح و يحسن حال العلال و المور إلا السمک و الخمر و السم يكون فيها نقض و تناد السم من المطـر و يكون خصب بفلسطين و يموت من الطير شیء كثيـر و تهـيج ريـح بالـشام و يموت ملک و ينتظم امر ملک و يظهر قوم من أعداء و يكثـر الحـروب بـبلاد الروم و يقحط الحـضب بعـد و يمـوت احـد اولاد سـلطان الفـرس و يكـون الأمراض صعبة ببلاد خراسان و يكثر المياه و يحسن حال النبات بعد أن ينقطع المطر مدة اثنين و ستين يوماً و ما فـی آخـر سـنة مطربـان روسـان ينحـک امرالملک لم يستقيم؛ و الله أعلم .

وإن كان طالع السنة الحوت: فإن المستولی علی السنة المشتری و زحل و الذنب يدلّ علی توسط الأضداد من الأعداء بلاد الملوک و تدلّ علی اتصال الحروب الصعبة و كثرةالبكاء و الغم فی العالم و هی تدلّ علی اضطراب امر الملک و هلاک اصحابه باسف فی الحروب و علی يغدر الغلات وعدم الاموات و يموت ملک أو يقتل علی فراشه و يقع خلف بين المغرب و الروم و يفتح من بلاد الروم ثلاثة مداين و هيج الحروب فی بلاد كثيرة و انّما يخضب السنة و يكثر الغلة و الزرع و الزيت و حمل الكرم و لابد ما ينقطع المطر مدّة اربعين يوماً و علی غموم يلحق الملوک و حرب بين ملكين و هلاک احدهما فی المعركة ؛ و الله أعلم .

فصل

قال الحكيم: إذا اقتران زحل و المريخ ، فی طالع سنةالعالم يدلّ علی الضرر الشامل العالم و الرعيّة و موت كثير و مرض و إذا كان فی الثانی او الثامن دلّ علی فساد الأموال و خمول ذكر الأغنياء و ظهور الحاجة و الفقر و الضعف فی العامّة و كثرةالموت و الشناعة ، فإن ذلک فی الثالث أو التاسع يدلّ علی كثرة انتقال العالم أو اوطانهم وتشبتهم مع ظهور العامّة فی موت العبادة و اعراض المكروه وانقطاع الطرق؛ و إن كان ذلک فی الرابع و العاشر دلّ علی إنه يعرض فی المداين و البلدان الخراب و موت اعظم الملوک و خسارتهم؛ و إن كان فی الخامس و الحادی عشر دلّ علی فساد و الولدان و علی الحروب و

الخصومات و السلاح و وقع بین الأصدقاء و الأحباب و فساد مابینهم؛ و أن کان فی السادس و الثالث عشر یدلّ علی کثرة السبی و موت الدواب و الغنم و کثرة المرض و الزمانة و من ولد فیه کان فیه عامة ؛ و إن کان فی السابع دلّ علی کثرة الأعداء و خروج الموذبین و کثرة الفتن بین النساء و ازواجهنّ و الخسارة فی اسع و الثری؛ و قال إنّ هذه الاحکام مخصوصة بالبلد الداب کون الکواکب بالبرج الذی یعربان فیه فی نسخة أُخری یدلّ علی عزّة نفوس الحسنة و الأمراض یدلّ علی افراح الملوک و السلاطین بالسرطان یدلّ علی کتمان السرّ و العلم و شدّة الحروب و قلة المیاه و شدّة الأراجیف؛ و الله أعلم بالصّواب.

